

# پی محبوب

پرسش و پاسخ در باره آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام

سید حسین حسینی

ياد محبوب

# یاد محبوب

پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام

۲

نویسنده

سید حسین حسینی

حسینی، سید حسین، ۱۳۲۵ -

یاد محبوب (پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام / نویسنده سید حسین حسینی. - تهران: نشر آفاق، ۱۳۷۹.

۱۲۸ ص - ۲ ج... (شناخت‌های اعتقادی؛ ۲۲)

ISBN 964 - 6058 - 75 - 2 (ج. ۱) (دوره) ISBN 964 - 6058 - 78 - 7

ISBN 964 - 6058 - 77 - 9 (ج. ۲) ISBN 964 - 6058 - 76 - 0 (ج. ۲)

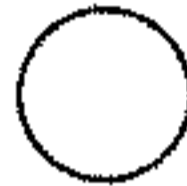
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. کتاب‌نامه: به صورت زیر نویس.

۱. محمّد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق... - ۲. مهدویت، الف، عنوان، ب، عنوان: پرسش و

پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام.

۲ ی ۵ ح / BP۵۱

۱۳۳۸۵ - ۷۹ م



۲۹۷/۹۵۹

کتابخانه ملی ایران



نشر آفاق

تهران: خیابان پاسداران، دشتستان چهارم، نبش زمرد، پلاک ۴۳

کد پستی ۱۹۴۷۹۴۶۶۶۶ - تلفن: ۲۸۴۷۰۳۵ - فاکس: ۲۸۵۵۹۰۷

E-mail : info@afagh.org

www.afagh.org

یاد محبوب

(۲)

(پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام)

مؤلف: سید حسین حسینی

ویراستار: سید علی رضوی

طرح روی جلد: علی اکبر یزدی

چاپ سوم: ۱۳۸۴ ش، ۵۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: فرنو

۱۱۵۰ تومان

حق شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است.

شابک ۰ - ۷۶ - ۶۰۵۸ - ۹۶۴ - ۰ ISBN 964 - 6058 - 76 - 0

شابک دوره ۷ - ۷۸ - ۶۰۵۸ - ۹۶۴ - ۰ ISBN 964 - 6058 - 78 - 7

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش گفتار

## به نام «هادی» انسان

...زنگ تلفن به صدا درآمد. گوشی را برداشتم. یکی از یاران بود که در جمعی از معلمان و مربیان، مسؤولیتی داشت. مرا فرا می خواند تا در محفلی در ارزش تعلیم و تربیت دینی سخنی بگویم. از کتاب خانه، کتابی به دست گرفتم و آن را ورق زدم. با نیم نگاهی در صفحات پرنور آن کتاب ارجمند، به گفته‌ی ژرف و بلندی بار یافتیم. کلمات و گفته‌ها چنان بود که احساس می‌کردم گوینده‌ی آن‌ها، هم اکنون در افق جامعه‌ی امروز ماست و تمامی حوادث و روی دادها را به دقت می‌نگرد و سخن می‌گوید. آن گوینده، پیشوای یازدهم حضرت ابو محمد حسن بن علی عسکری علیه السلام، چنین فرموده بود:

«إِنَّ مِنْ مُحِبِّي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَسَاكِينَ مُوَاسَاتِهِمْ  
أَفْضَلُ مِنْ مُوَاسَاةِ مَسَاكِينِ الْفُقَرَاءِ، وَ هُمْ الَّذِينَ سَكَنَتْ  
جَوَارِحُهُمْ وَ ضَعُفَتْ قُوَاهُمْ عَنِ مُقَاتَلَةِ أَعْدَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ  
يُعَيِّرُونَهُمْ بِدِينِهِمْ، وَ يُسَفِّهُونَ أَحْلَامَهُمْ. أَلَا فَمَنْ قَوَّاهُمْ  
بِفَقْهِهِ وَ عِلْمِهِ حَتَّى أزالَ مَسْكَنَتَهُمْ ثُمَّ يُسَلِّطَهُمْ عَلَى  
الأَعْدَاءِ الظَّاهِرِينَ: النَّوَاصِبِ وَ عَلَى الأَعْدَاءِ البَاطِنِينَ:

إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتْهُ، حَتَّى يَهْزُمُوهُمْ عَنِ دِينِ اللَّهِ، وَيَذُودُوهُمْ  
عَنْ أَوْلِيَاءِ آلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، حَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى تِلْكَ  
الْمَسْكَنَةَ إِلَى شَيَاطِينِهِمْ فَأَعْجَزَهُمْ عَنْ إِضْلَالِهِمْ، قَضَى  
اللَّهُ تَعَالَى بِذَلِكَ قَضَاءً حَقًّا عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.»<sup>۱</sup>  
«همانا گروهی از دوست داران محمد و آل او درود بر آنان-

تهی دستان اند. یاری آنان برتر از یاری نیازمندان (مالی)  
است. آنان که ابزار و توان خود را از رویارویی با دشمنان  
خدا، از کف داده اند؛ دشمنانی که بر دین آنان سرزنش  
می کنند و ایشان را به نادانی و سَفَه نسبت می دهند.

هر آن دانشوری که آنان را با ژرفای دانش خود نیرو  
دهد و بیاموزد تا مگر تهی دستی را از ایشان بردارد و سپس  
آنان را بر دشمنان برونی (حقوقستیزان) و دشمنان درونی  
(شیاطین و لشکریان آنان) چیرگی دهد که بتوانند دشمنان  
را از مرز دین و اولیای آل رسول - درود خدا بر او - برانند،  
خداوند متعال [در نتیجه و به پاداش تلاش این دانشوران]  
ناتوانی را به سوی شیطان های آنان برگرداند و دیگر،  
ابلیس ها توان گمراه کردن فرزندان را نخواهند یافت. این  
است حکم حتمی خداوند متعال بر زبان رسول الله ﷺ.»

سخن به هنگام و به روز آن گوینده ی آسمانی، در سیزده  
سده ی پیش، هر جستجوگر را به شگفت می آورد و هر حق جو را در  
اوج قلّه ی تحسین و افتخار می نشاند.

---

۱. الاحتجاج ۱: ۱۷؛ بحار الأنوار ۲: ۷ و ۶۹: ۳۴۴.

من در آن محفل دوستانه، به زبان ناقص خود گفته را ترجمه و شرح کردم و خود و بسیاری از افراد جامعه را مصادیق روشن آن تهی دستی علمی و دینی یافتم.

در پی دانشورانی با آن ویژگی‌ها بودم که آنان را بر فراز کلمات نور در نور، احادیث، دیدم.

با الهام از ندای صادقانه‌ی فطرت و دلایل بدیهی عقل، آنان و گفتارشان را برترین ابزارهای ریشه‌کن‌کننده‌ی دشمنان برونی و درونی شناختم و بر آن از آیات بسیار کتاب خداوند حکیم نشان یافتم.

بر دوری و مهجوری از آخرین ذخیره‌ی آنان نظر کردم و به تاریکی و فتنه‌ی روزگار غیبت اندیشیدم. ابتلا و امتحان را نگریستم و سختی روزهای آن را دقت کردم. سخن پیشوای پرده‌نشین را به یاد آوردم که داروی دردهای روزگار غیبت را چنین فرموده بود:

«... و بسیار دعا کنید که این خود گشایش کار

شمایان است.»<sup>۱</sup>

سپس از اضطراب او در خانه‌ی کعبه در اضطراب شدم که در کنار پرده‌ی خانه‌ی خدا گفتم:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي»<sup>۲</sup>

«خداوندا! وعده‌ی مرا تحقق بخش!»

---

۱. بخشی از توقیع امام عصر عجل الله فرجه: «وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ

۲. بحار الأنوار ۵۱ : ۳۵۱.

الْفَرَجِ.»



آن گاه گفته‌ی دیگری را به خاطر آوردم که<sup>۱</sup>:

«أباصیر! خوشا بر شیعیان قائم ما که در هنگامه‌ی  
غیبت چشم به راه اویند و در روزگار ظهور فرمان بر او! آنان  
اولیاء الله اند که بیم و اندوهی بر ایشان نباشد...»

در این جا به حیرت آمده با خود گفته‌ی کتاب خدا را ترنم

کردم:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۲</sup>

پس در صدد یافتن تاویل آن برآمدم. در جست‌وجو، به حدیثی  
برخوردم که امام به حق ناطق حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«آنان کسانی‌اند که به قیام قائم ایمان می‌آورند و آن

را حق می‌دانند.»<sup>۳</sup>

از آن روزگار، به هر بهانه به سراغ آب زلال گفتار آنان رفتم.  
هر کس فریاد عطش سر داد، جامی از آن دریا برداشتم و کام او را  
سیراب کردم و با هر بی‌تابی که در تلاطم افکار و آرای گونه‌گون بود،  
دیدار کردم، با آشامیدن قدح زلال از آن، آرامش یافته‌اش دیدم. هر  
آتش کفر و شرک و نفاق را با پیمان‌های شفاف منطبق آن در بهبود  
بُردم و هر تاریکستان عقیده و اخلاق را با قبسی از آن در روشنایی  
افکندم. گم‌گشتگان وادی اندیشه‌ها را با رهنمایی به سوی آن،  
رشد یافته و سرگشتگان سخنان رنگارنگ را با پیمان‌های از آن به  
آرامش رسیده دیدم.

---

۱. منتخب الأثر: ۵۱۱، ح ۶، از امام صادق علیه السلام.

۲. بقره (۲): ۳.

۳. منتخب الأثر: ۵۱۴، ح ۴.

نام او، یاد او، محبت و لطف او، دعا و نماز او، زیارت و آرزوی دیدار او را آب گوارا بر عطش سوزان چشم به راهان دیدم و زمزمه‌ی سخنان او را آرامش دل پُرتپش عاشقان و فکر و خیال او را سرمایه‌ی حرکت و کمال و دوستی و ولایت او را مایه‌ی حیات و بقا. گفتگو از او را شیرین‌ترین گفته‌ها و بهترین یادگار ماندنی در گنبد دوّار و پرسش و پاسخ درباره‌ی او را ارزنده‌ترین گفت و شنود و محبت او را نورانی‌ترین محبت یافتم.

این بود که به جمع‌آوری و تنظیم دفتر دوم یاد محبوب پرداختم تا آن را به شیفتگان مهر او تقدیم دارم و از او خواستم تا پیمان‌های تهی مرا هم به عنایت و مهر پُر کند.

شب و روز سخنم این است:

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا  
بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا﴾

جان چه باشد که فدای قدم دوست کنم؟

این متاعی است که هر بی‌سروپایی دارد

در آرزوی آن‌ام که در حضورش چنین ندا دهم:

گل نیستم که درد دلم را دوا کنم	بلبل نی‌ام که بر سر هر گل نوا کنم
شمعم؛ تمام سوزم و جان را فدا کنم	پروانه نیستم که بسوزم به شعله‌ای

رجب ۱۴۲۱ - مهر ۱۳۷۹

سیدحسین حسینی

پرسش‌ها و پاسخ‌ها



سؤال : خدا خود را برای نصرت مردم کافی می‌داند و در آیه‌ی صریح قرآن آمده است که: ﴿ كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴾<sup>۱</sup> یا: ﴿ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ؟ ﴾<sup>۲</sup>؛ حال آن‌که در دعای فرج امام زمان علیه السلام می‌خوانیم که: اِکْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَانصُرَانِي فَإِنَّكُمَا ناصِرَانِ و در ادامه‌ی آن دعا: یا مَوْلَانَا یا صَاحِبَ الزَّمَانِ! الغوث، الغوث، الغوث؛ یعنی از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و صاحب‌الزمان علیه السلام کمک و نصرت می‌خواهیم و از آن بزرگواران کفایت کار خود را می‌خواهیم. آیا این دو با هم منافات ندارد؟

جواب : این‌که خداوند خود را برای نصرت بندگان کافی می‌داند با این‌که بندگان خدا از دیگری بخواهند که آنان را یاری کند با هم منافات ندارد. خداوند بشر را دو گونه یاری می‌کند: یکی یاری بلاواسطه و بدون وسیله و دیگری نصرت به وساطت موجوداتی که خود آن‌ها را خلق و به آن‌ها قدرت عطا فرموده است.

یاری خداوند بالذات و بالاستقلال است و هر قدرت و نیرویی

۱. فرقان (۲۵): ۳۱.

۲. زمر (۳۹): ۳۷.

از اوست و به او برمی‌گردد و یاری دیگران با اذن و قدرت بخشی او انجام می‌شود. یاری به واسطه مانند این است که خداوند به وسیله‌ی خورشید حیات موجودات زنده را یاری می‌دهد؛ به وسیله‌ی باران رویش نباتات را یاری می‌دهد؛ به وسیله‌ی حیوانات رفت و آمد انسان را یاری می‌دهد. تمامی این‌ها را خدا یاری می‌کند؛ امّا به واسطه. در آیات کریمه‌ی قرآن آمده که:

﴿ما، به دست خود، برای آنان چارپایانی آفریدیم و آنان را مالک آن‌ها کردیم (که از منافع آن‌ها بهره می‌گیرند).﴾<sup>۱</sup>

این موجودات هم یاری‌کننده‌اند؛ امّا کسی نمی‌گوید یاری این‌ها با یاری خداوند منافات دارد بلکه یاری این‌ها عین یاری خدا و به اذن اوست و آن‌ها قدرت یاری را از خداوند منان می‌گیرند. لذا می‌بینیم در طیّ آیات کریمه‌ی قرآنی، ضمن این‌که یاری را منحصر در خدا می‌داند: ﴿و جز از سوی خداوند عزیز حکیم یاری نیست﴾<sup>۲</sup> و نیز: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (سوره‌ی حمد)، از موجودات و وسایل دیگر نیز یاری و کمک می‌طلبد. از باب نمونه، در سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۵: ﴿از صبر و نماز کمک گیرید﴾ و در سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲: ﴿یک‌دیگر را بر نیکی و تقوی کمک و یاری دهید﴾ و در سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۷۲: ﴿اگر مردم از شما در دین، یاری طلب کردند یاریشان کنید﴾

۱. اِس (۳۶): ۷۱.

۲. آل عمران (۳): ۱۲۷.

نظیر این آیات نحوه‌ی تلقی قرآن را نشان می‌دهد که هیچ تناقضی میان انحصار یاری در خدا و اعطای قدرت به یاری‌کنندگان دیگر از سوی او وجود ندارد.

یاری پیغمبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیاً و امام زمان علیاً عین یاری خداست. آنچه با اندیشه‌ی توحید متناقض است این است که گمان کنیم کسی استقلالاً دارای قدرتی است که به اذن و اراده‌ی خداوند متکی نیست. در کارهای عادی و طبیعی، تمام مردم از یک‌دیگر و از طبیعت و صنعت یاری می‌طلبند و کسی آن را با یاری خدا منافعی نمی‌داند و در یاری‌گرفتن به اذن خدا میان عالم طبیعت و ماوراء طبیعت، تفاوتی نیست.

در زمینه‌ی دعا و کمک‌خواستن از امامان علیاً و زیارات حضرت مهدی علیاً، نگاه کنید به:

- ربیع الأنام فی أدعیه خیر الأنام.

- بحار الأنوار: ۱۰۲.

- منتخب الأثر: ۵۰۱ و ۵۰۹.

- نجم ثاقب: ۵۹۲.

- ترجمه‌ی مکیال المکارم، ج ۱.



سؤال : احاطه‌ی امامان علیهم‌السلام و امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه بر اعمال و افکار و ذهنیت و روحیات دیگر انسان‌ها به چه شکل است؟ آیا همان‌گونه است که خداوند بر افکار انسان‌ها احاطه دارد؟ آیا کوچک‌ترین فکری که در اعماق ذهن کسی بگذرد، ایشان به آن اطلاع دارند؟ اگر جواب مثبت است، پس تفاوت علم آنان با علم خدا چیست؟

جواب : این پرسش از یک طرف به مسایل توحید و خداشناسی ارتباط می‌یابد و از یک سو به مسایل نبوت و امامت. آن چه شیعه درباره‌ی پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام اعتقاد دارد این است: هر قدرتی که پیامبر و امامان دارند بالله و بإذن الله است و این نکته‌ی توحیدی را از قرآن کریم آموخته است. طبق آیه‌ی قرآن، عیسی مسیح علی نبینا و آله و علیه السلام، می‌گوید: ﴿من مرده را زنده می‌کنم؛ کور مادرزاد را شفا می‌دهم؛ پیس را بهبود می‌بخشم؛ امّا (این کارها) را به اذن خدا (انجام می‌دهم).﴾<sup>۱</sup> در فرهنگ قرآن کریم، داشتن این علم و قدرت خدادادی برای کسی که خدا بخواهد مُحال و ممتنع نیست.

---

۱. آل عمران (۳): ۴۹.

قرآن کریم نقل می‌کند که یکی از اطرافیان حضرت سلیمان علیه السلام به بخشی از دانش کتاب آگاہ بود. خداوند به او قدرت و علمی داده بود که تخت ملکه‌ی سبا را در یک چشم برهم‌زدن از کشور سبا به نزد حضرت سلیمان آورد.<sup>۱</sup> در آیه‌ای دیگر شبیه همین قدرت را برای یک جنّ اثبات می‌کند.<sup>۲</sup> در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام نیز همین‌گونه است. افاضه‌ی چنین علمی نه از قدرت خدا خارج است و نه برای او محال است.

نکته‌ی توحیدی و دقیق همان مفهوم و معنای «اذن الله» است. می‌دانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام بالاستقلال و از جانب خود هیچ قدرت و علمی ندارند و هر چه هست بالله و باذن الله است. ذهنیت ما باید نسبت به استقلالی و تبعی بودن علم و قدرت روشن شود. باید ذاتی و غیر ذاتی را خوب درک کنیم. در این صورت، بسیاری از مسایل توحید و قرآن برای ما روشن می‌شود. از نظر فرهنگ قرآن و شیعه تمامی دانش و قدرت و هر سؤال بالذات و بالاستقلال از آن خداوند است و به دیگر مخلوقات باذن الله افاضه می‌گردد.

پیامبر عظیم‌الشان و امامان پاک - که جز در وادی عبودیت و بندگی گام نمی‌گذارند - تمامی ابعاد حرکت و سیر خود را در همین راستا قرار داده‌اند. سعی کردند «بالله» بودن همه‌ی دارایی‌ها را برای امت تفهیم کنند تا قدم از جرگه‌ی بندگی بیرون نگذارند. در یک جایگاه می‌گویند:

---

۱. نمل (۲۷): ۴۰.

۲. نمل (۲۷): ۳۹.



﴿لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثِرُ مِنَ الْخَيْرِ﴾<sup>۱</sup>

﴿اگر غیب می دانستم، بهره‌ام را بیشتر می‌کردم.﴾

و از سوی دیگر می‌گویند:

﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ. فَأَوْحَىٰ

إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ... لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ﴾<sup>۲</sup>

﴿نزدیک شد و نزدیک شد تا به اندازه‌ی دو قوس یا

نزدیک‌تر. پس خدا چیزهایی به او وحی فرمود... او آن

بزرگترین نشانه‌های بزرگ پروردگار خود را دید.﴾

درباره‌ی دانش و علم و قدرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مراجعه کنید

به:

بحار الأنوار ۱۷: ۱۳۰ به بعد.

این‌که آیا امکان دارد خداوند علم اولین و آخرین را به آن‌ها

دهد، پاسخ مثبت است و الا دست خداوند را بسته دانسته‌ایم.

امامان علیهم‌السلام به همین امکان عقلی استدلال کرده و فرموده‌اند: «آیا

ممکن است خداوند دانش زیادی به مورچه بدهد؟ سپس ادامه

می‌دهند که ما از مورچه کم‌تر نیستیم.»

اما از نظر دلایل نقلی قرآنی حدیثی و روایی، خدا و پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم‌السلام درباره‌ی علوم و دانش‌های خود بسیار سخن

گفته‌اند. در کتاب کافی، جلد ۱، ابوابی در علوم پیامبر و

امامان علیهم‌السلام آمده است.

۲. نجم (۵۳): آیات اول.

۱. أعراف (۷): ۱۸۸.

پس لازمه‌ی افاضه‌ی علم این نیست که خداوند برای خود شریک قرار دهد. علم خود او ذاتی و استقلالی است و علوم آنان افاضی و وهبی و تبعی است.

نکته‌ی دیگر این‌که: کلید علم و قدرت آنان را خداوند در دست آنان قرار داده است؛ هر وقت اراده کنند، با زدن کلیدی، علم و آگاهی می‌یابند. در عین حال کلید اصلی در دست خود خدا و به اذن اوست. در حدیث چنین آمده است که:

«إِذَا شَأُؤُوا أَنْ يَعْلَمُوا عَلِمُوا.»<sup>۱</sup>

«علم و دانش امامان به گونه‌ای است که هرگاه بخواهند بدانند، می‌دانند.»

در احادیث فراوان دیگر می‌فرمایند:

«ما علم ما كانَ وَ ما يَكُونُ وَ ما هُوَ كائِنَ (= آنچه بود و هست و خواهد بود) را داریم.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«من علم آسمان‌ها و زمین را دارم؛ مانند این‌که به کف دستم نگاه می‌کنم.»<sup>۲</sup>

نتیجه این‌که علم خداوند ذاتی و استقلالی است و دانش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام تبعی و موهوبی و از جانب خداست و از جهت عقل اعطای چنین دانش و قدرتی مُحال نیست و قرآن و

---

۱. بحار الأنوار ۹۲: ۹۵، ح ۵۰.

۲. همان: ۱۰۱، ح ۷۶.

حدیث این مسأله را تأیید می‌کند. دیگر این که علم و آگاهی آنان کلید است و این کلید باذن الله در دست خود آنهاست. هرگز لازمه‌ی این سخن شرکت و تساوی خداوند با بندگان نیست.

درباره‌ی علوم پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام، رجوع کنید به

کتاب‌های:

- خورشید مغرب، فصل ۸.

- معرفت امام عصر علیه‌السلام : ۲۶۹.

- اصول کافی ۱.

- بصائر الدرجات.

- بحار الأنوار ۲۶.



سؤال : مضمون و معنای آیهی ۵ سورهی قصص - که معروف است دربارهی حکومت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است - چیست؟

جواب : آیهی کریمه چنین است:

﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ  
وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. ﴾

﴿اراده داریم بر مستضعفان زمین ممت نهاده آنان را  
پیشوایان زمین و وارثان آن گردانیم.﴾

در کتاب «المحجّة»، سیّد هاشم بحرانی، ذیل آیهی مذکور

چنین می نویسد:

از امام باقر و حضرت صادق علیهما السلام نقل شده است:  
«فرعون و هامان در این آیه دو نفر از جبّاران قریش اند که  
خداوند آنان را در هنگام قیام «قائم آل محمد» در آخر الزّمان  
زنده می کند و امام زمان از آنان انتقام می گیرد.»

این حدیث و روایات دیگر بیان می کند که مقصود از «أئمة» و  
«وارثین» در آیهی کریمه، امام زمان قائم آل محمد ارواحناده و یاران  
اویند که بر گسترهی زمین حکومت می کنند و پرچم توحید و  
یکتاپرستی را در سراسر اقطار آن به اهتزاز می آورند.

برای آگاهی بیشتر، مراجعه فرمایید به:

- المحجّة (عربی): ۱۶۸.

- البرهان (عربی) ذیل آیهی ۵ سورهی قصص.

- نورالثقلین (عربی) ۴: ۱۰۷ به بعد.

- سیمای حضرت مهدی در قرآن: ۲۹۶

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۶۳-۶۸.

- خورشید مغرب: ۱۱۳-۱۲۲.



سؤال : آیا در کتب آسمانی پیشین درباره‌ی امام  
زمان عجل الله تعالی فرجه پیش‌گویی‌هایی دیده می‌شود؟

جواب : اگرچه - همان‌طور که قرآن کریم آشکارا می‌گوید -  
کتاب عهدین و کتب دیگر به دست تحریف‌گران دگرگون گشته است؛  
اما در همین نوشته‌های تحریف‌شده هم بشاراتی نسبت به آن حضرت  
دیده می‌شود؛ بدین معنی که دست تحریف نتوانسته است تمامی  
حقایق مندرج در آن‌ها را واژگونه کند؛ از جمله درباره‌ی مصلح  
الاهی جهان در مزمور ۳۷، بند ۸ به بعد عهد عتیق:

از غضب بر کنار شو و خشم را ترک کن. خود را  
مشوش مساز...؛ زیرا که شریران منقطع خواهند شد و  
منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود.<sup>۱</sup>

در عهد عتیق، کتاب حجّی نبی باب دوم، آیه‌های ۷ - ۹:

و تمامی امت‌ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت  
جمیع امت‌ها خواهند آمد و یّهوه صبا یوت می‌گوید:  
این خانه را از جلال پر خواهم ساخت.  
یّهوه صبا یوت می‌گوید: نقره از آن من و طلا از آن

---

۱. عهد عتیق، چاپ ۱۹۳۶، ص ۸۵۶.

من است. یهوه صبا یوت می گوید: جلال آخر این خانه از  
جلال نخستینش عظیم تر خواهد بود.<sup>۱</sup>  
در عهد عتیق کتاب صَفْنِیای نبی، باب ۳ آیه ی ۹:

زیرا که در آن زمان زبان پاک به امت‌ها باز خواهم داد  
تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به [طور] یک‌دل او را  
عبادت نمایند.<sup>۲</sup>

در عهد جدید (اناجیل): انجیل مَتّی باب ۲۵ بند ۳۴ (به بعد):  
... بیاید. ای برکت یافتگان از پدر من. و ملکوتی را  
که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است به میراث  
گیرید.<sup>۳</sup>

و در مکاشفه یوحنا، باب ۲، بند ۲۶-۲۷:

و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد او  
را بر امت‌ها قدرت خواهم بخشید تا ایشان را به عصای  
آهنین حکمرانی کند.<sup>۴</sup>

دائرةالمعارف فارسی (۱: ۱۳۷۳)، ذیل لغت «سوشیانت»:

عنوان هر یک از سه موعود زردشتی و مخصوصاً  
عنوان آخرین موعود زرتشتی که در اوستا استوت‌ارت  
خوانده شده و از او به عنوان سوشیانت پیروزگر یاد شده  
است. سوشیانتِ مَزَدِیْسَنان به منزله‌ی کریشناس برهمنان،  
بودای پنجم بوداییان، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان و  
مهدی مسلمانان است. زرتشتیان منتظر ۳ موعودند.

---

۱. عهد عتیق: ۱۳۶۷.

۲. عهد عتیق: ۱۳۶۴.

۳. عهد جدید: ۴۴.

۴. عهد جدید: ۳۹۸ - ۳۹۹.

ملاحظه می‌کنیم که کتب عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (اناجیل) موعودی را بشارت می‌دهند که با وجود این همه تحریفات در آنها به خوبی برنامه‌ی مهدی موعود اسلام را نشان می‌دهند.

در این باره، به کتاب‌های زیر مراجعه شود:

- بشارت عهدین ۲۳۴ به بعد.

- روزگار‌هایی: ۵۵۷-۵۶۶.

- خورشید مغرب، فصل ۴ و ۵.

- در فجر ساحل: ۳۷.

- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام: ۱۳.

- او خواهد آمد.





سؤال : حضرت مهدی علیه السلام چه سنت‌هایی از پیامبران گذشته و چه شباهت‌هایی به آنان دارند؟

جواب : «إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَّ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ: سُنَّةُ مِنْ مُوسَى وَ...»<sup>۱</sup>. این معروف‌ترین مضمونی است که دلالت می‌کند امام زمان علیه السلام سنت (یا به زبان امروز، شباهتی را از آدم علیه السلام، نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارند.

سنتی که از آدم و نوح علیه السلام دارند، طول عمر است. در قرآن کریم آمده است که نوح علیه السلام قبل از طوفان، ۹۵۰ سال عمر کرد.<sup>۲</sup> بنا به نقل تواریخ و برخی روایات، بعد از طوفان نیز عمر طولانی داشته است.

سنت از ابراهیم علیه السلام مخفی بودن ولادت و کناره‌گیری از مردم است. سنتی که از موسی علیه السلام دارند، خوف و چشم به راهی است. در توضیح این خوف، دو نکته بیان شده است؛ یکی این که موقعی که موسی قومش را ترک کرد و از آن شهر بیرون رفت، مدتی غیبت کرد و

---

۱. منتخب الأثر: ۳۰۱، ح ۵.

۲. عنکبوت (۲۹): ۱۴.

بعد با «ترس»<sup>۱</sup> وارد شهر شد. او از این که مردم او را بشناسند در ترس بود. به این دلیل، غیبت امام زمان علیه السلام را به آن دوره‌ی غیبت حضرت موسی علیه السلام تشبیه کرده‌اند.

تشبیه دیگر خوف از تولد موسی علیه السلام و پنهانی بودن آن است. موسی علیه السلام به اراده‌ی خداوند، به سلامت متولد شد و در کاخ سلطنتی فرعون رشد و نمو کرد. خلفای عباسی نیز هم چون فرعون که در پی به دست آوردن موسی علیه السلام بود، در جستجوی امام زمان علیه السلام بودند؛ لیکن نتوانستند ایشان را بیابند. آنان شنیده بودند از اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی می‌آید و بساط حکومت ستم‌کاران را بر هم می‌زند. با این حال، در منطقه‌ی نظامیان حکومتی، امام عصر علیه السلام متولد شد و به صیانت الاهی دوران حیات خویش را آغاز کرد.

سنتی که از حضرت عیسی علیه السلام دارند این است که عده‌ای می‌گویند: عیسی علیه السلام متولد شده و کشته شده است. دسته‌ای می‌گویند: متولد نشده است و... همین سخن‌ها درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام نیز جاری است. عده‌ای می‌گویند: متولد نشده و گروهی می‌گویند: متولد شده و مرده است.

سنتی که امام عصر روحی فداه از پیامبر دارند، دو چیز است: یکی «قیام با شمشیر» و دیگر این که حضرتش اسلام را از پایه و بنیان دوباره تأسیس می‌کنند. این به گونه‌ای است که وقتی ایشان می‌آیند و اسلام را عرضه می‌کنند، مردم می‌گویند: این اسلام آیین

---

۱. قصص (۲۸): ۱۸ و ۲۱.

جدید است<sup>۱</sup>؛ چرا که در طول روزگاران آن اندازه در احکام اسلام تغییرات پدید می‌آید و احکام قرآن و معانی و مفاهیم و کاربردهای آن تغییر می‌یابد که وقتی ایشان اسلام و قرآن را به مردم عرضه می‌کنند، مردم می‌گویند: این عقاید جدید است؛ سخن جدید و دین جدید است. در واقع چنین نیست؛ بلکه ارائه‌ی اسلام راستین است که در نظر آنان جدید می‌نماید. رسول اکرم ﷺ فرمود:

«مهدی روش مرا دنبال می‌کند و هرگز از سنت من

بیرون نمی‌رود.»<sup>۲</sup>

و نیز فرمود:

«إِنَّهُ مُتَّبِعٌ لَا مُبْتَدِعٌ...»

«او (مهدی) تابع (سنت من) است؛ نه بدعت‌گذار...»<sup>۳</sup>

حضرت مهدی علیه السلام از انبیای دیگر نیز سنت‌ها و شباهت‌هایی دارد: از یوسف علیه السلام، پنهان شدن از دید عام و خاص حتی برادرانش و دیدار مردم و برادران و او را نشناختن.

از ایوب علیه السلام نیز صبر و فرج و گشایش را.

در این باره، نگاه کنید به:

- منتخب الأثر: ۳۰۰.

- روزگار‌رهایی ۲: ۵۹۱.

---

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۲۳۱ و ۳۴۹.

۲. منتخب الأثر: ۴۹۱.

۳. إسعاف الراغبین: ۱۴۵.

- در فجر ساحل.

- المهدی: ۸۱.

- خورشید مغرب: ۲۰ و ۱۷۳.

- منتقم حقیقی: ۱۸۶ - ۱۸۸.



سؤال : پوشش ظاهری و لباس آن حضرت در حال حاضر و در زمان ظهور چگونه است؟ آیا پوشش امروزی و عادی و عرفی دارند یا لباس مخصوصی می پوشند؟

جواب : زئی و ظاهر امامان علیهم السلام چنین بوده است که هرگز نوعی زندگی نکرده اند که به خاطر قیافه ی ظاهری و لباس تشخص ویژه ای داشته باشند. آنان در تمامی امور خود در نهایت اعتدال زندگی می کردند. لازمه ی اعتدال- تا آن جا که به حرام و گناه منجر نشود- این است که در سلک مردم جامعه باشند و در ظاهر با آنان حرکت کنند. برای نشان دادن کلیّاتی در این زمینه، تذکر چند نکته ضروری است:

۱- آن هنگام که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در میان جمعی می نشستند، طوری بودند که از دیگران تمیز داده نمی شدند. برای خود جای خاصی قرار نمی دادند. اگر فرد غریبی وارد می شد، نمی توانست تشخیص بدهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کدام یک از افراد است. <sup>۱</sup> از این سنّت

---

۱. در این باره، به کتاب سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم از علامه سید محمد حسین طباطبایی و توتیای دیدگان، قسمت دوم مراجعه فرمایید.

روشن می‌شود که ظاهر و لباس او مانند سایر مردم بوده است. از این روش رسول خدا ﷺ می‌توان به دست آورد که پوشاک امام عصر ارواحنا فداه- تا آنجا که حرام و مکروه و نامناسب شأن والای آن حضرت نباشد- با لباس‌های نوع مردم هماهنگی می‌کند. او لباسی نمی‌پوشد که در میان صدها هزار نفر مشخص شود. بنابراین، می‌توان گفت که لباس حضرت صاحب‌الأمر علیه السلام- زمانی که ظاهر می‌شوند- به لباس مردم آن روز خواهد بود؛ مگر این که آن لباس از نظر قواعد اسلامی مورد پذیرش نباشد. در آن صورت، یاران آن حضرت هم به همان گونه‌ای که ایشان لباس می‌پوشند در می‌آیند.

۲- در مورد لباس آن بزرگوار آمده است:

«ما لباسه إلا الغليظ و ما طعامه إلا الجشِبُ.»<sup>۱</sup>

«لباس او خشن و غذای او یک‌رنگ و ساده است.»

از این حدیث شریف استفاده می‌شود که ایشان لباس نرم و راحت- که بدن و جسم را لذت‌بخش باشد- به تن نمی‌کنند بلکه لباس سخت و خشن و ضخیم به تن دارند؛ اما چنین هم نیست که رنگ و طرح و کیفیت آن به گونه‌ای باشد که از لباس سایرین امتیاز ویژه یابد. امامان معصوم علیهم السلام خود سفارش کرده‌اند که: در جوامع به گونه‌ای زندگی کنید که انگشت‌نمانشوید. در تأیید این سخن مسأله‌ای در فقه شیعه آمده است و آن این که یکی از کردارهای حرام- که حتی عدالت فرد را از بین می‌برد- این است که یک زن، لباس مرد بپوشد و یا مرد

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۳۵۴.

لباس زن بپوشد یا کسی لباس شهرت به تن کند. فقها فتوا داده‌اند که پوشیدن لباس شهرت حرام است.<sup>۱</sup> لباس شهرت پوشیدن یعنی این که کسی لباسی بپوشد که در میان مردم انگشت‌نما بشود و بگویند که: این فرد را نگاه کن، لباس چنین و چنان پوشیده است. از این نکات، عادی و معمولی بودن لباس ایشان فهمیده می‌شود.

آنان که توفیق زیارت ایشان را داشته‌اند با لباس‌های معمولی و محلی موقر دیدار کرده‌اند. اگر در سفرهای حج بوده‌اند، با لباس عرب‌ها و اگر در نجف، با پوشش روحانیان و اگر در نقاط دیگر، با پوشش معمولی جامعه؛ به گونه‌ای که لباس او جلب توجه خاص نکرده است.

این‌ها احتمالاتی است که ما از قواعد کلی در دست بهره گرفته‌ایم؛ اما مشخصات دقیق به‌ویژه در هنگام ظهور را جز خدا کسی نمی‌داند.

در این زمینه و درباره‌ی لباس انبیا و اولیا، مراجعه فرمایید به:

- بحار الأنوار ۷۷: ۹۷ و ۷۰: ۳۲۱ و ۸۱: ۳۴۱.

- عصر زندگی، بخش ۱۹.

- منتخب الأثر: ۲۳۹ - ۲۴۲.

---

۱. بحار الأنوار ۷۰: ۲۵۲؛ رساله‌های توضیح المسائل، احکام لباس

نمازگزار.



سؤال : در زیارت امام زمان ارواحنا فداء می خوانیم:  
«سَلَامٌ عَلٰی آلِ یُس» و آل یس با استدلال به آیه ی ۱۳۰  
سوره ی صافات: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِیَّاسِیْنَ﴾، به اولاد رسول  
خدا ﷺ و امام زمان روحی فداء تفسیر می شود. درباره ی  
آن توضیح دهید.

جواب : یک قرائت «آل یاسین» است و قرائت دیگر  
«ایاسین» و اختلاف قرائتات به معنی تحریف و دگرگون کردن قرآن  
نیست؛ چرا که تحریف تغییر عمده در آیات یا افزودن آیات دروغین  
به قرآن کریم است و اختلاف قرائت- که گاه در لهجه و گویش  
مردمان یک قبیله ریشه دارد- در موارد جزئی تر است و عموم سنّیان  
بسیاری از آیات را مختلف قرائت کرده اند.

در ابتدای زیارت آل یاسین می خوانیم: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یُس» و  
مقصود امام زمان عجل الله فرجه است. دلیل بر این که آل یاسین خاندان  
پیامبر صلی الله علیه و آله و در این زیارت امام عصر عجل الله فرجه است آن است  
که یک نام پیامبر صلی الله علیه و آله «یس» است و خاندان او آل یاسین اند. سنّی و  
شیعه نقل کرده اند که «یس» یکی از نام های پیامبر است:  
مدارک زیر را با هم مرور می کنیم:



۱- از ابن عباس نقل است که یَس، محمد ﷺ است و در لفظی

فرموده است: ای محمد!

۲- امام باقر علیه السلام فرمود:

«رسول خدا ﷺ را دوازده نام است که پنج نام از

آنها در قرآن است: محمد، احمد، عبدالله، یَس، ن.»<sup>۲</sup>

در تفسیر آیه‌ی ۱۳۰ سوره‌ی صافات<sup>۳</sup> آمده که: آیه در شأن

علی علیه السلام است و او جزء خاندان «یس»- پیامبر ﷺ- است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«پیامبر یاسین است و ما آل یاسین.»

حافظ حسکانی از راویان گوناگون نقل کرده است که:

آل یاسین، آل محمد است و علی علیه السلام نیز جزء آل محمد است.<sup>۴</sup>

از این جا معلوم می‌گردد که اصطلاح آل یاسین در احادیث به

خاندان رسول خدا ﷺ گفته می‌شود.

در این مورد، به تفاسیر ذیل آیه‌ی اوّل سوره‌ی یَس و ذیل

آیه‌ی ۱۳۰ صافات مراجعه شود؛ از جمله:

- تفسیر الدر المنثور.

- تفسیر أحكام القرآن.

- تفسیر بیضاوی.

---

۱. در المنثور ۵ : ۲۵۸.

۲. کنز الدقائق ۸ : ۳۰۸، به نقل از تفسیر مجمع البیان.

۳. کنز الدقائق، ج ۸ .

۴. شواهد التنزیل: ۱۰۹ - ۱۱۲.

- تفسیر مجمع البیان.
- تفسیر کنز الدقائق.
- تفسیر التبیان.
- تفسیر علی بن ابراهیم قمی.
- تفسیر صافی.
- تفسیر المیزان.
- تفسیر نور الثقلین.



سؤال : چگونه می توان اثبات کرد که امام زمان علیه السلام

زنده است و از دنیا نرفته است؟

جواب : این حکم عقل است که اگر میلاد و حیات و زیست کسی ثابت شد، مرگ و وفات وی دلیل می خواهد نه زنده بودن او. لذا هنگامی که با افراد ملاقات می کنیم، نمی پرسیم: چرا هنوز زنده ای؟! زنده ماندن پس از میلاد یک اصل عقلی است. اگر خبر وفات کسی را بشنویم، از علت و سبب آن می پرسیم و این پی جویی علت مرگ، جوان، پیر، بیمار، سالم و... نمی شناسد؛ یعنی همواره مرگ، علت می خواهد. این اصل عقلی را در اصطلاح علم اصول، اصل استصحاب بقا می گویند.

البته این اصل در موارد گوناگون از جهت ابعاد و کوتاهی و بلندی زمان تفاوت می کند و به اندازه ی وجودی مورد انتظار برای آن موضوع برمی گردد؛ مثلاً وجود یک سنگ تا صدها هزار سال و بودن یک گل رُز تا چند هفته محتمل است.

درباره ی امام عصر عجل الله تعالی فرجه تأیید خاصّ الاهی و فوق العاده بودن قدرت او، با اذن خدا، مطرح است و این که آن غایب از نظر از توان برتر برخوردارند و بشارات و اشارات نیز آن را تأیید

می‌کند؛ از جمله این‌که آن حضرت با حضرت نوح پیامبر علیه السلام در درازی عمر، شباهت دارد.<sup>۱</sup> احادیث محکم میلاد و حیات و دیدار جمع بسیاری با امام علیه السلام اثبات می‌کند که حضرتش زنده است و دارای قدرت مافوق بشری است.

پس عقل نتیجه می‌گیرد که طبق قانون استصحاب او زنده است؛ مگر دلیل محکمی وفات او را اثبات کند و چه کسی با چه دلیلی می‌تواند چنین ادعا کند؟! در حالی که حیات و زیست و مراقبت او از امت اسلامی و شیعیان از آفتاب روشن تر است و نیز در حالی که زمان، زمان غیبت کبری است.

خداوند علیم و حکیم، برای تمامیت حجّت و برهان خود، از هنگام تولّد او تا هم‌اکنون گاه و بی‌گاهی، آن ماه تابان را به افرادی ویژه و چشمانی پاک و مشتاق می‌نماید.

در این زمینه، مراجعه کنید به:

- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام، فصل ۸.

- امامت و مهدویت ۳، نوید امن و امان: ۱۶۵ - ۲۱۴.

- خورشید مغرب، ص ۱۹۱ - ۲۱۵.

---

۱. منتخب الأثر: ۳۰۰، ح ۱.



سؤال : چرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت داشتند؛ غیبت صغری و کبری؟

جواب : رسول اکرم ﷺ و امامان علیهم السلام فرموده‌اند: «یکی از مشخصات امام دوازدهم، قائم آل محمد ﷺ این است که: دو غیبت دارد؛ غیبت صغری و غیبت کبری.»<sup>۱</sup>

علّت حقیقی دو غیبت را نمی‌دانیم؛ اما می‌توان حدس زد که خداوند غیبت کوچک‌تر را برای عادت و آمادگی مردم برای غیبت کبری قرار داده است. این حدس را روایتی تأیید می‌کند که محدث قمی در فصل دوم منتهی‌الآمال<sup>۲</sup> در زندگانی امام حسن عسکری علیهما السلام آورده است؛ بدین گونه که امام دهم و یازدهم خیلی اوقات، خود را از مردم پنهان می‌کردند تا برای غوغای غیبت کبری آماده شوند.

شاید اگر آن حضرت از اول در غیبت کبری می‌رفتند، حجّت خدا بر مردم تمام نمی‌شد. در غیبت صغری عده‌ای خدمت آن حضرت می‌رسیدند؛ امامتشان برای عده‌ای ثابت می‌شد؛ معجزاتشان ظاهر می‌گردید؛ از مردم دست‌گیری مستقیم می‌کردند؛ شناخته می‌شدند؛

۱. منتخب‌الأثر: ۲۵۱، ح ۱. ۲. منتهی‌الآمال: ۲: ۷۰۳.

ولی اگر آن حضرت پنج سال با پدرشان نبودند و از سال ۲۶۰ هجری - که امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسیدند - غیبت کبری شروع می شد، ممکن بود برای بسیاری از مردم اتمام حجّت نشود. شاید بتوان گفت: به عنایت پروردگار و برای اتمام حجّت، ایشان ۶۹ سال در غیبت صغری به سر بردند؛ یعنی از سال شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹. در آن سال آخرین نایب برگزیده و خاص، جناب علی بن محمد سمری وفات کرد و با وفات او غیبت کبری آغاز شد. اگر دوران غیبت صغری را از اول عمر امام مهدی علیه السلام حساب بکنیم، مدت ۷۴ سال و اگر از آغاز دوره‌ی امامت ایشان در نظر آوریم، ۶۹ سال به طول انجامیده است. وجه نام‌گذاری به غیبت صغری آن است که دوره‌ی غیبت کوتاه‌تر بود و ضمن این که از عموم مردم غایب بودند، گه گاه عده‌ای خاص خدمتشان می رسیدند. نوّاب ایشان - که چهار نفر از آنها معروف ترند - به خدمت آن حضرت می رسیدند. گاهی به وساطت آنان افراد دیگری هم با حضرتش دیدار می کردند. این نایبان افراد مطمئنی بودند و هرگز جا و مکان آن حضرت را آشکار نمی کردند. صرفاً برخی از افراد را به خدمت امام علیه السلام می بردند. به خاطر همین، نام آن را غیبت صغری نهادند. از سال ۳۲۹ هجری - که آن حضرت به نایب خود نامه (= توقیع) فرستادند - و در آن اعلام کردند که:

«فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ.»<sup>۱</sup>

۱. منتخب الأثر: ۳۹۹، ح ۱۳.

«غیبت (کبری و تامّ و) تمام، آغاز شد.»

دیگر کسی نمی‌تواند مدّعی نیابت خاصّه و دیدار ارادی گردد.

غیبت کبری هم زمانش طولانی‌تر است و هم در آن، امام علیه السلام از بیشتر مردم پنهان‌اند و اگر کسی مشاهده کند و به خدمت آن حضرت برسد، اشاره و اراده از جانب خود امام زمان علیه السلام است.

در این مسائل به کتاب‌هایی از جمله کمال الدّین صدوق، (صص ۴۳۴ - ۴۷۸) و اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی رضوان الله علیه مراجعه شود. در آنها کسان زیادی را که در غیبت صغری و پیش از آن، چه در زمان امام حسن عسکری علیه السلام در آن پنج سال و چه بعد از پایان دوره‌ی امامت امام حسن عسکری علیه السلام و چه به واسطه‌ی نایبان و چه بی‌واسطه، خدمت آن حضرت رسیده‌اند، روایاتی را آورده و داستان‌هایی را نقل کرده‌اند.

برای آگاهی بیشتر، رجوع فرمایید به:

- نجم ثاقب.

- کمال الدّین: ۴۳۴ - ۴۷۸.

- منتخب الأثر: ۴۱۲ - ۴۲۰.

- اثبات الهداة، جلد ۷.

- رعاية الإمام المهدي.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، فصل دهم.



سؤال : آیا تشریف‌فرمایی حضرت مهدی علیه السلام در اجتماعات عمومی در دوران غیبت با معنای غیبت و نهان بودن منافات ندارد؟ آیا با این‌گونه تشریف‌فرمایی به محافل، غیبت منتفی نمی‌شود؟

جواب : آن‌گونه حضور با غیبت منافات ندارد؛ زیرا مردم او را می‌بینند؛ ولیکن او را نمی‌شناسند. آن حضرت به عده‌ای خاص تجلی می‌کند؛ ولی عموم مردم او را نمی‌بینند. معنای غیبت این است که مردم حضرتش را نمی‌شناسند و جای خاص او را نمی‌دانند. معنای غیبت معدوم شدن نیست. بهترین عبارت و تعبیر درباره‌ی غیبت همان است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يَرُونَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ.»<sup>۱</sup>

«او را می‌بینند ولی نمی‌شناسندش.»

نیز زرارة بن أعین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«همانا قائم ما را دو غیبت است؛ از یکی برمی‌گردد و در دیگری معلوم نمی‌شود او کجاست. در موسم حج

---

۱. منتخب الأثر: ۲۵۲، ح ۴ و ۷-۹.



حضور می یابد. مردم را می بیند و مردمان او را نمی بینند.<sup>۱</sup>  
امام حسین علیه السلام فرمود:

«جز خدمتکاری که به کارهای او رسیدگی می کند،  
بر جایگاه او آگاه نمی شود.»<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام به سدید فرمود:

«چگونه انکار می کنی که خداوند با او مانند یوسف  
رفتار کند؟ او در بازارهای آنان می گردد و بر فرش های آنان پا  
می گذارد؛ ولی آنان او را نمی شناسند تا خداوند اذن دهد که  
خود را بشناساند.»<sup>۳</sup>

نیز امام باقر علیه السلام در معنای آیهی ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ...﴾<sup>۴</sup>

فرمود:

«ای اُمّهانی، مقصود امامی است که خود را پنهان  
می کند (ضمن این که در میان مردم است) تا خبر او از مردم  
قطع شود.»<sup>۵</sup>

امام رضا علیه السلام نیز فرمود:

«او هر سال در موسم حج شرکت می کند. تمامی  
مناسک را به جا می آورد. در صحرای عرفات می ایستد. به  
دعای مؤمنان آمین می گوید...»<sup>۶</sup>

---

۱. منتخب الأثر: ۳۱۴، ح ۷ و ۸.

۲. همان، ح ۴ و ۹.

۳. همان: ۲۵۵، ح ۴.

۴. تکویر (۸۱): ۱۶.

۵. منتخب الأثر: ۲۵۶، ح ۷.

۶. همان: ۲۶۲، ح ۱۵.

در این زمینه، به کتب زیر مراجعه فرمایید:

- کمال الدین: ۳۴۱.

- غیبت شیخ طوسی: ۲۵۳ - ۲۸۱.

- غیبت نعمانی.

- کافی، ج ۱.

- منتخب الأثر: ۲۵۱ - ۲۶۵.

- بحار الأنوار ۵۱: ۲۱۵ - ۲۲۵ و ۵۲: ۹۰ - ۱۰۰.

- خورشید مغرب، فصل ۳: ۴۱ - ۴۹.

- گفتارهایی پیرامون امام زمان، فصل ۴ و ۵.

- روزگار رهایی، ج ۱، بخش ۷ و ۸.



سؤال : امام زمان علیه السلام در دوران غیبت، شیعیان را به  
راویان احادیث ارجاع داده‌اند:

- ۱- آیا روایات احادیث همان فقها و مجتهدان اند؟
- ۲- ارتباط بین امام زمان علیه السلام و بین راویان و فقیهان  
چگونه است؟ آیا ارتباط ویژه‌ای دارند یا مانند سایر  
مردم اند؟ (به عبارت دیگر: آیا حتماً آن‌ها به دیدار  
آن حضرت می‌رسند؟)

جواب : ضروری است که معنای غیبت صغری و کبری را  
بدانیم. غیبت صغری از نظر زمان نسبت به غیبت بعد کوتاه‌تر بوده  
است. در غیبت صغری عموم آن حضرت را نمی‌دیدند؛ ولیکن گروه  
خاصی از مردم، ایشان را زیارت می‌کردند و رابطه‌ای داشتند و  
می‌توانستند از طریق نابیان ویژه‌ی ایشان به امام علیه السلام دست‌یابند؛  
چنان‌که در پاسخ به سؤالی گفته شد. از میان آن‌ها چهار نفر  
مشهورترند که رسماً به خدمت امام علیه السلام می‌رسیدند.

غیبت کبری دوره‌ای است که در آن به‌طور معمولی به امام  
عصر علیه السلام دسترسی نیست و از آن بزرگوار اطلاعات دقیقی در دست  
نیست و کسی با حضرتش ارتباط دائمی و عادی ندارد؛ اما لزوماً در

دوران غیبت مردم بلا تکلیف نخواهند بود. تشخیص وظیفه و عمل به احکام و عقاید شیعیان، به عهده‌ی رُوات احادیث و فقها واگذار شده و به مردم توصیه شده است که بدان‌ها مراجعه کنند؛ چرا که بیان فقه و احکام و عقاید یکی از شئون امام زمان علیه السلام است. اکنون آن‌ها را از چه کسانی بیاموزیم؟ چاره‌ای جز اطاعت امر امامان و رجوع به آشنایان احادیث امام علیه السلام نیست.

مراجعه به فقها و راویان احادیث در روزگاران امامان علیهم السلام نیز رسم بوده است. در دوره‌ی امامت امام صادق علیه السلام، آن حضرت در مدینه بودند. کسانی که در مرو بودند و نیز بسیاری از مردم نقاط دیگر - که در تمام عمر یک بار هم به سعادت دیدار امام نائل نمی‌شدند - ناچار مسائل خود را از راویان احادیث فرا می‌گرفتند. البته در آن عصر، کتب احکام خلاصه‌تر بود.

طول زمان زمینه‌ی وسعت در فقه را ایجاد کرد. در عصر حضور امامان، افراد مسایل محدود مورد نیاز را، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، از خود امام می‌شنیدند و مشکل به سرعت حل می‌شد؛ اما در روزگار غیبت کبری چنین نیست و متخصصان باید احادیث موجود را با کار علمی و تحقیق بررسی کنند.

در دوران غیبت، به‌جز آیات و روایات، در احکام و مسایل دینی مأخذ و مرجعی نداریم. عموم مردم هم تخصص و فهم لازم نسبت به دریافت حقایق آن را ندارند و از این رو، برای آگاهی از احکام دین ما را به فقیهان - که متخصصان استنباط حکم اند - ارجاع داده و گفته‌اند:

«وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا  
لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ  
يَقْلُدُوهُ.»<sup>۱</sup>

«توده‌ی مردم می‌توانند از فقیهی بی‌روی کنند که  
خویشتن‌دار باشد و دین‌نگه‌دار و مخالف خواسته‌ها (ی  
نفس) و فرمان‌بر مولای خویش (خدا و اولیایش).»

امام زمان علیه السلام نیز فرمودند:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ  
أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ.»<sup>۲</sup>

«در پیش آمده‌ها به راویان حدیث ما مراجعه کنید که  
آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدایم.»

کسانی در زمان غیبت از نظر اندیشه و فکر و روحیه به امامان  
و امام زمان علیه السلام نزدیک بوده‌اند که با کلمات و گفتارهای آنان انس و  
آشنایی دارند. احتمال می‌رود در میان فلاسفه، شعرا، ادبا، عرفا،  
فیزیک‌دانان، رجالیون، اطباء، مورّخان و... کسانی باشند که به آن امام  
مهربان بسیار ارادت داشته باشند؛ امّا قرب فکری و روحی از آن  
کسانی است که با کلمات آنان انس و آشنایی دارند.

کلمات و تفاسیر آن بزرگواران پیکره‌ی اصلی عقاید ایشان را  
تشکیل می‌دهد و حامل علوم آنان است. شیعه باید به این افراد

---

۱. وسایل الشیعه ۱۸: ۹۵، ح ۲۰.

۲. همان: ۱۰۱، ح ۹.

مراجعه کند؛ چرا که اینها احکام و مسایل دین را عمیق تر فهمیده‌اند. ایشان نایبان عام امام علیه السلام - که حجّت خداست - خوانده شده‌اند. البته اصطلاح نَوّاب عام و نَوّاب خاص به ملاحظه‌ی دو دوره‌ی غیبت کبری و صغری متداول گردیده است.

درباره‌ی پرسش دوم: رابطه‌ی فقها با امام زمان علیه السلام چگونه است؟

باید دانست که رابطه‌ی اینان مانند عموم مردم است. فقیهان پارسا - که حامل علوم اهل بیت علیهم السلام و خود افراد برجسته‌ای‌اند - ممکن است با آن حضرت دیدار کنند. افرادی چون مقدّس اردبیلی و علامه بحر العلوم و... چه بسیار که از میان فقها و علمای بزرگ که به خدمت حضرت مشرّف گشته‌اند؛ لیکن ملاک مراجعه‌ی شیعه به آنان، دیدار حضوری ایشان با امام عصر علیه السلام نیست؛ چرا که بسیاری از فقها و محدّثان - اگرچه مقامات عالی داشته‌اند - ارتباطشان با آن حضرت برای ما روشن و ثابت نیست. به عنوان نمونه، معلوم نیست ثقة‌الاسلام کلینی خدمت امام رسیده باشد؟ یا شیخ صدوق امام زمان علیه السلام را در بیداری دیده باشد؟ در عین حال، کتاب‌های اینان آثار دستِ اوّل شیعه و مراجع و مأخذ کهن رجوع و بهره‌مندی فقهاست.

ارتباط اینان با امام زمان علیه السلام بر رابطه‌ی فکری و مکتبی استوار است. اینان از طریق روایات و اخبار با افکار و اندیشه‌های امام زمان روحی فداه آشنا‌یند و هر کس بیش تر در روایات بررسی و تحقیق کند، به امامان نزدیک تر خواهد بود. تاریخ نیز چنین نشان داده است. امام علیه السلام همواره اشراف و لطف خاصی را نسبت به فقهای عالی مقام و

راویان احادیث داشته‌اند. در مواضع حسّاس، ایشان را یاری کرده و پشتوانه‌ی محکمی برای آنان بوده‌اند.

محدّث بزرگ حاجی نوری آورده است:

یکی از علمای غیرشیعه که در بعضی فنون علمی استاد جناب شیخ [علامه‌ی حلی] بود، کتابی در ردّ مذهب شیعه‌ی امامیه نوشته بود و آن را برای مردم در مجالس می‌خواند و گمراه می‌کرد. از بیم آن‌که مبادا کسی از علمای شیعه ردّ آن را بنویسد، کتاب را به کسی نمی‌داد که بنویسد و علامه همیشه فکر می‌کرد که آن را به دست آرد تا ردّ آن را بنویسد. خلاصه علاقه‌ی استاد و شاگردی را وسیله‌ی عاریت‌گرفتن کتاب مذکور قرار داد و چون آن شخص نخواست که یک‌بارہ دست رد بر سینه‌ی او نهد، گفت: سوگند یاد کرده‌ام که این کتاب را زیاده از یک شب پیش کسی نگذارم. علامه نیز موضوع را غنیمت دانسته کتاب را بگرفت و به خانه بُرد که در آن شب، از آن جا به قدر امکان نقل کند. چون به نوشتن آن پرداخت و نصفی از شب بگذشت، خواب بر او غلبه کرد. حضرت صاحب‌الامر علیه السلام به سرای او درآمدند و به شیخ گفتند: «کتاب را به من واگذار و تو خواب کن.» چون شیخ از خواب بیدار شد، نقل آن نسخه از کرامت صاحب‌الامر علیه السلام تمام شده بود.<sup>۱</sup>

اکنون که در زمان غیبت زندگی می‌کنیم، به همان‌ها که خودشان فرموده‌اند: «صَائِنًا لِنَفْسِهِ...» باید مراجعه کرد.

---

۱. نجم ثاقب، باب هفتم، حکایت پانزدهم؛ با اندکی تغییر.

نتیجه این که از میان فقها باید تنها به آن کسانی که مکتب امام  
زمان علیه السلام را ترویج می کنند و محبت امام زمان علیه السلام را دارند و به عنوان  
شاگردان مکتب امام زمان علیه السلام و راه نمایان مردم به سوی او (نه به سوی  
خود)، فعالیت می کنند، رو آوریم و آنها را شناسایی کنیم و در  
احکام، از دانشمندترینشان تقلید کنیم.

درباره‌ی الطاف آن حضرت به شیعه و فقها، نگاه کنید به:

- ترجمه‌ی مکیال المکارم ۱: ۱۶۸.

- مهر محبوب: ۳۱ - ۴۴.

- نام محبوب: ۹۹ - ۱۰۷.

- صبح امید: ۱۰۱.

- تجلیات امام عصر علیه السلام.

- العبقری الحسان.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۳۳۷ - ۳۷۴.

- معرفت امام عصر علیه السلام: ۱۱۶.

- نجم ثاقب: ۵۶۹، باب نهم.

- تبصرة الولي.



سؤال : آیا گفتار مدعیان دیدار آن حضرت را باید پذیرفت یا رد کرد؟

جواب : حق این است که نمی توان امکان دیدار را در دوران غیبت به طور مطلق نفی کرد و شواهدی نیز به راستی و صدق در مواردی وجود دارد و افراد برجسته و خوش نام و مورد وثوق چون ابراهیم بن مهزیار، علامه ی حلی، سیدابن طاووس، علامه بحر العلوم، مجلسی اوّل و... آن پرده نشین دور از نظر را زیارت کرده اند؛ لیکن روش و ادب آنان این بوده که خبر دیدارها را شایع نکنند و جز برای یاران خاصّ خود بازگو نفرمایند. آنها از خواصّ و دوستان خود نیز تعهد می گرفتند که تا پایان حیات آنان نقل نکنند و اگر خواستند و لزوم داشت، پس از مرگشان، آن هم برای اتمام حجّت، به مردمان بیان کنند.

البته این به جز موارد استثنایی است که بهره های اعتقادی و اخلاقی بر آن داستان ها مترتب می شده است و خود دیدارکنندگان آن را بازگو فرموده اند.

گفتنی این است که روش بزرگان دین چنین بوده است که امتیازات دینی و معنوی نباید وسیله ای برای کسب دنیا و ابزاری

برای پیشرفت زندگی مادی گردد و شایسته نیست آن‌ها را پلکان ترقی مادی و زندگی دنیوی خود ساخت.

در روزگار ما شنیده می‌شود افرادی مجهول‌الحال، عده‌ای از مردم (به‌ویژه گاه بانوان کم‌اطلاع) را به‌عنوان این‌که با آن حضرت رابطه‌ی مستقیم دارند، گرد آورده مطالبی بی‌سند موثق نقل می‌کنند و با این وسیله جلسات خود را پُر رونق می‌کنند و بهره‌ی مادی می‌برند؛ لیکن هرگز خود را در معرض بحث و گفتگو و استدلال قرار نمی‌دهند و راه هرگونه تحقیق و بررسی را به روی اهل دقت می‌بندند. نیز نویسندگانی چنان شرف‌یابی به آستان مقدس امام زمان علیه السلام را سبک و سهل و بی‌مقدار می‌شمرند که گویا آن حضرت بلندآستان چشم‌به‌راه است تا در برابر یک جمله زیارت و دو رکعت نماز، برای هر بی‌سر و پا خود را نشان دهد و یا هدایا تقدیم کند!!

ما خود بزرگانی را دیده‌ایم که بیش‌تر عمر پُر برکت خود را در طریق نشر اعتقادات اهل بیت علیهم السلام و نشر نام امام زمان علیه السلام صرف کرده‌اند؛ امّا هرگز سخنی به زبان نراندند و اظهار نفروندند که بر دیداری اشاره کند؛ بلکه تنها دوستان و آشنایان خود را بر معرفت امام و کوشش در شناساندن حضرت او و خدمت‌گزاری به آستان بلندش تشویق کرده‌اند. یکی از شواهد ما بر نحوه‌ی رفتار و ادب دانشمندان در دیدار حضرت مهدی علیه السلام خاطره‌ای است که سید مهدی طباطبایی بحرالعلوم با میرزای قمی دارد: ملا زین‌العابدین سلماسی - که از شاگردان بحرالعلوم است - گوید:

میرزای قمی پس از زیارت بیت‌الله‌الحرام و ائمه‌ی

عراق، در درس سید بحرالعلوم حاضر شد. پس از رفتن شاگردان، از سید درخواست کرد: از نعمت‌های معنوی بی‌شماری که به دست آورده‌اید، چیزی به ما تصدق کنید.

سید بدون درنگ فرمود: شب گذشته یا دو شب پیش (تسردید از راوی است)، برای ادای نوافله‌ی شب، به مسجد کوفه رفته بودم. قصد داشتم در اول صبح به سوی نجف برگردم. از مسجد بیرون آمدم. در دل خود برای رفتن به مسجد سهله شوقی احساس کردم؛ لیکن فکر خود را از رفتن منصرف کردم؛ زیرا نگران تعطیل شدن درس بودم. اشتیاق پیوسته زیاد می‌شد و میل قلبی فراوان می‌گردید.

در آن حال - که مردّد بودم - باد تندی وزید و غباری برخاست و مرا به آن سوی حرکت داد. چیزی نگذشت که خود را بر در مسجد سهله دیدم. وارد مسجد شدم. کسی در آن جا نبود. تنها شخص بزرگواری مناجات می‌کرد. کلماتی بر زبان می‌راند که دل را آرام و چشم را گریان می‌کرد. حالم دگرگون و دلم گنده شد. اشکم جاری گشت. آن کلمات را هرگز نشنیده بودم. دانستم که آن نجواکننده خود انشا می‌کند؛ نه این که از محفوظات خود بخواند.

بر جای ایستادم و گوش فرا دادم. لذت فراوانی بردم. آن بزرگوار از راز و نیاز فراغت یافت. به سوی من نظری کرده و فرمود: «مهدی! بیا.» چند گامی پیش رفتم و ایستادم. امر فرمود که باز پیش روم. دوباره اندکی جلوتر رفتم و ایستادم. باز فرمود که پیش روم و افزود: «ادب در فرمان برداری است.» پس از لحظاتی، پیش رفتم تا دستم به آن بزرگوار رسید. آن گاه سخنی فرمود.

در این جا ملا زین العابدین سلماسی گوید:

چون سخن به این جا رسید، سید دست از رشته‌ی سخن کشید و به پاسخ سؤال علمی‌ای که میرزا پیش‌تر پرسیده بود پرداخت. میرزا پرسید که آن سخن چه بود؟ سید با دست اشاره کرد که: از اسرار پنهان است.<sup>۱</sup>

این چنین است ادب دانشمندان ما در نگه‌داری اسرار دیدار. آن‌ها تنها به اندازه‌ی اتمام حجّت برای مردم می‌گویند.

می‌بینیم که بزرگان و دانشمندان و اخیار و اوتاد چه بسا خدمت آن حضرت تشرّف حاصل کرده‌اند؛ امّا به سختی آن را برای دیگران بازگو کرده‌اند. البتّه سوز و گداز آنان نشانگر این بوده که عنایتی به آنان شده است؛ امّا به گونه‌ای رفتار کرده‌اند که باب سوء استفاده و تقویت اوهام و خیالات برای افراد پیش نیاید.

در مطالعه‌ی دیدارها و توجّه به این نکته، مراجعه فرماید به:

- نجم ثاقب، باب هفتم.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۳۳۵ - ۳۷۴.

- منتهی الآمال ۲: ۸۰۴ به بعد.

- کمال الدّین، بخش دیدارها.

- منتخب الأثر: ۵۱۱ - ۵۲۰.

- تجلیات امام عصر علیه السلام.

- مهر محبوب: ۳۶.

---

۱. نجم ثاقب: ۴۷۳، حکایت ۷۳.



سؤال : کسانی را می‌شناسیم که سالیان سال دیدار امام زمان علیه السلام را از درگاه خدا خواسته‌اند یا دست‌کم طالب نگاهی بوده‌اند. چرا دیدار نصیب چنین مشتاقی نمی‌شود؟

جواب : ما عادت کرده‌ایم که اگر یک قدمی برداشتیم، بلافاصله جایزه‌ای نصیبمان شود. در میان طلبه‌ها معروف است که می‌گویند: الْأَحْمَقُ إِذَا صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَنْتَظِرُ الْوَحْيَ (= نادان - آن‌گاه که دو رکعت نماز می‌خواند - منتظر وحی می‌شود)؛ حقیقت این است که باید ببینیم توقع ما چه اندازه است؟ آیا به اندازه‌ی انتظار خویش، تلاش و کوشش کرده‌ایم؟ چه اندازه به وظایف شرعی خود عمل کرده‌ایم؟

دعایی در کتاب‌های حدیث وارد شده است که در آن عبارت «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ»<sup>۱</sup> آمده است و دعای زمان غیبت نام دارد. از جمله بخش‌های آن این است که:

«خدایا! مرا چنان کن که در آن چیزی که تو تأخیر کرده‌ای شتاب نکنم و در آن‌چه تو مقدم داشته‌ای تأخیر نورزم.»

---

۱. منتخب الأثر: ۶۳۶ - ۶۴۰.

در نتیجه، اولاً: خود امام زمان علیه السلام دستور می دهند که:

«برای تعجیل فرج و گشایش کار، بسیار دعا کنید.»<sup>۱</sup>

ثانیاً: ما به دعای بسیار مأموریم و باید سعی کنیم وظیفه‌ی خود را عمل کنیم.

ثالثاً: در ضمن دعا، مشتاق ظهوریم.

رابعاً: طالب دیداریم. عاشقانه طالبیم؛ نه طلب‌کارانه. شاید این نوع تعبیرات شرط ادب نباشد که: چرا نیامدی؟ کجایی؟ پس چرا نمی‌آیی؟ ما آماده‌ایم! بلکه صحیح‌تر آن است که به تقدیر الهی راضی باشیم و در عین حال از طول زمان غیبت به خدای جهان شکوه برده ظهور حضرتش را مشتاقانه طلب کنیم.

امامان علیهم السلام مردم را با آداب خاص تربیت می‌کردند. اشتیاق دیدار مطلبی است و برخورد طلب‌کارانه موضوعی دیگر.

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام ضربت خورده بودند، امام حسن علیه السلام دم در خانه آمدند و فرمودند: «آقا حالشان سنگین است؛ مردم متفرق شوند.» مردم هم رفتند. چند نفری ایستادند. یکی از آنها اصبع بن نباته بود. امام حسن علیه السلام فرمود: «چرا نمی‌روی؟» گفت: شما فرمودید: بروید؛ وظیفه‌ی من نیست به داخل خانه بیایم؛ ولی تا مولای مهربانم را نبینم، پاهایم یارای رفتن نمی‌دهد. شرط ادب هم اجازه نمی‌دهد خودسرانه وارد شوم. امام حسن علیه السلام به داخل خانه رفت و برگشت. فرمود: «داخل شو.» اصبع رفت و خود را روی

---

۱. احتجاج طبرسی ۲: ۴۷۱.

## قدم‌های آن حضرت انداخت.<sup>۱</sup>

باید نسبت به ائمه علیهم‌السلام این‌گونه باشیم. ضمن رعایت ادب، محبت و ارادت هم بورزیم. خدا رحمت کند یکی از استادان ما را! انگشتی خیلی خوبی داشتند که انگشت دستشان بود. آن را به یکی از دوستانمان هدیه کردند. یک دوست دیگر گفت: چرا به ما ندادند؟ دیگری گفت: اگر صلاح می‌دانست، به تو هم می‌داد.

همیشه لطف از بالا به پایین است. ایشان خودشان باید عطا کنند؛ نه این‌که توقع عطا داشته باشی. همان استاد گفت: من هرگز از استادم. با این‌که توانایی‌های زیادی داشت. چیزی تقاضا نکردم؛ هر چیزی به من داد، خودش لطف کرد.

شیعه مشتاق زیارت امام زمان علیه‌السلام است؛ لیکن اشتیاق و عشق به جز طلب‌کاری است. ما ذرّه‌ایم؛ عددی نیستیم که طلب‌کاری کنیم.<sup>۲</sup> باید زمینه‌ی دل و جانمان را به گونه‌ای کنیم تا او خود لطف کند؛ چرا که ما مصلحت خود را نمی‌دانیم.

چه بسا زیارت امام علیه‌السلام در دوران غیبت، برای دیدارکننده تبعاتی مشکل‌زا در پی داشته باشد؛ از آن جمله که مثلاً انسان

---

۱. منتهی‌الآمال ۱: ۳۳۶.

۲. در دعای ابو حمزه‌ی ثمالی می‌خوانیم: «وَمَا أَنْ- يَا رَبِّ- وَمَا خَطَرِي؟!»: پروردگارا! من چیستم (آری، نه کیستم!) و چه ارزشی دارم؟!» (مفاتیح‌الجنان، اعمال سحرهای ماه رمضان) و مولانا علیه‌السلام فرمود: «مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْفَخْرُ؟!...»: آدمی زاد را چه به فخرفروشی؟!...» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۴۵ - ویراستار)

رازداری نتواند یا دچار چنان عجب و غروری شود که از تمام عبادت‌ها دور بیفتد و تصوّر کند که به جایی رسیده است.

در این زمینه - که زمینه‌ی تسلیم است - نگاه کنید به:

- اصول کافی (عربی) ۱: ۳۹۰.

- ترجمه‌ی اصول کافی ۲: ۲۳۴.

- مِهر محبوب: ۹۹.

- معرفت امام عصر علیه السلام: ۲۲۷.

- ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ۲۷۲ - ۲۸۷.



سؤال : آیا در دیدار با آن حضرت، میان دیدن ما و دیدن عالمان و گزیدگان تفاوتی هست؟ اگر هست، چیست؟

جواب : دو نکته گفتنی است:

۱- هر کس معرفتش برتر باشد، بیش تر بهره می برد. طبعاً میان درخواست انسان عامی عادی با مسألت فرد والاقدر و دانشمند بزرگوار تفاوتی شگرف هست. آن یک به دنبال آب و نان است؛ ولی این یک (مثلاً علامه‌ی حلی) کلید علمی را از آن حضرت می خواهد که صد باب علم از آن باز شود.

۲- نکته‌ی دیگر این که: اگر کسی چند فرزند داشته باشد، با هریک از آنان به گونه‌ای برخورد می کند. امام زمان علیه السلام با شیخ حسن عراقی<sup>۱</sup> که یک هفته نزد حضرتش گذرانده است - طوری برخورد می کند و با آن جوان شیفته‌ای که در مشهد خدمت ایشان مشرف شده بود، طور دیگر. به شیخ مفید هم «الأخ الأعزُّ» (= برادر بسیار ارجمند)<sup>۲</sup> خطاب کرده نامه می نویسد. نحوه‌ی برخورد آن حضرت

۱. رک. نجم ثاقب: ۵۰۶، حکایت ۹۸.

۲. رک. احتجاج طبرسی ۲: ۴۹۷.

به دل و ظرفیت آن کسی که دیدار کرده و نحوه‌ی برداشتی که از این عشق و محبت دارد و نیز به نوع عنایتی که حضرتش صلاح می‌داند، بستگی دارد. این برخورد و برداشت مهم است. آن چیزی که بسیار مطلوب است، زلالی و صفای جوهر است. اگر آن صفای جوهر را کسی به دست آورد، سرمایه‌ی بزرگی یافته است.

مقام علما و فقها و بزرگان در جای خودشان محفوظ است. این‌ها به تعبیری، نمایان‌عامّ امام زمان علیه السلام خوانده شده‌اند. این‌ها خدمت‌گزاران ویژه‌ی آن بزرگوار روحی فداه‌اند. این‌ها تشکیل‌دهندگان دستگاه دینی امام زمان علیه السلام در زمان غیبت‌اند. با این‌همه و گذشته از اینان، عده‌ای هم هستند که شاگرد پادوهای آن دربارند. غلامان و خدمت‌کاران آن مولای مهربان‌اند. هرروز آن حضرت را می‌بینند و دور و اطراف اویند. آن حضرت نیز به آن‌ها لطف دیگری دارند.

بنابراین، فقها و علمای راستین دین نگاهبانان حریم ولایت و دین آن حضرت‌اند و عاشقان و خدمت‌گزاران ویژه و خصوصی او. قاعدتاً شأن و مرتبت آنان در مقایسه با عامه‌ی مردم و نیز در ارتباط با امام عصر علیه السلام قواعد ویژه‌ای را می‌طلبند که انسان‌های عادی از آن‌ها به‌دورند.

سؤال : حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت چگونه به مردم تمام جهان رسیدگی می‌کند؟ آیا یکایک مردم را می‌شناسد؟ این رسیدگی در روزگار ظهور چگونه است؟

جواب : در این مسأله دو جهت وجود دارد: یکی جهت باطنی اعمال و امکانات الاهی آن حجّت خدا و دیگر جهت قدرت ظاهری و طبیعی ایشان. هر یک را باید جداگانه مورد بررسی قرار داد.

امام علیه السلام، به مقام امامت خود، به باطن اعمال مردم واقف است. او علم اوّلین و آخرین و حال و آینده را باذن الله دارد و مانند کف دست خود به تمام آن‌ها آگاه است. درباره‌ی امام گفته‌اند: امام قطب عالم، مرکز و قلب جهان است و به اذن خدا جهان را اداره می‌کند.

هشام بن الحکم، شاگرد مبرّز امام صادق علیه السلام در مجلس درس متکلم معروف معتزلی، عمرو بن عبید نکته‌ای مهم در این باره آورده است.<sup>۱</sup> او سپس در گزارش به امام صادق علیه السلام آن را بازگو می‌کند و آن حضرت تأیید می‌فرمایند، خلاصه‌ی آن از این قرار است:

انسان به عنوان یک موجود زنده ابزار متعدّدی در بدن دارد:

۱. کافی ۱: ۱۶۹، ح ۳.

چشم او کار می‌کند؛ گوش او کار می‌کند؛ زبان او کار می‌کند؛ دستگاه گوارش او از غذای جذب‌شده استخوان می‌سازد؛ خون می‌سازد؛ پوست تولید می‌کند؛ رگ می‌سازد؛ پی می‌سازد و... بنابراین، انسان اعضا و جوارح دارد. فرمان‌ده کُل در تمام این‌ها چه کسی است؟ روح چگونه در آن واحد بر همه‌ی اعضا مسلط است؟ چگونه در آن واحد به چشم دستور می‌دهد که: ببین؛ به گوش دستور می‌دهد که: بشنو؛ به زبان دستور می‌دهد که: بگو و به مغز دستور می‌دهد که: عکس برداری کن و... به همین گونه، امام علیه السلام قلب عالم امکان است. او به تمام اعضای جهان باذن الله مسلط است و آن‌ها را به کار می‌اندازد. این قدرت الاهی امام است. لذا می‌بینیم امام علیه السلام در آن واحد با قدرت الاهی به هزاران نفر در گوشه و کنار جهان رسیدگی می‌کند و فریادرسی او همواره ساری و جاری است. امام به مقام امامت خود بر تمامی آن‌ها باذن الله تسلط دارد؛ همانند روح و قلب در بدن انسان که بر تمامی اعضا و قوا مدیریت می‌کند و از هر کدام در جایگاه ویژه‌ی خود کار می‌کشد. او دستی در ملکوت و دستی در ملک دارد. به زیر پرده‌ی جهان، باذن الله، واقف است. خداوند عالم کلید گنج نهانی را به او داده و او به هرگونه بخواهد - که البته خواسته‌ی او عین خواسته‌ی خداست - تصرف می‌کند.

اما از نظر ظاهری: در هنگام ظهور و در نحوه‌ی اداره‌ی جهان و رسیدگی به مردم، باید ابعاد گوناگون شخصیت ۳۱۳ نفر یاران و همراهان دست اول حضرتش را دید. آنان تابع و مطیع بدون شرط و قید امام زمان خودند.

آن‌ها افراد مورد اعتماد و اطمینان‌اند. هوای نفس خود را مهار کرده‌اند. تابع هوس‌های حیوانی نیستند. چشم و دست امام عصرند. آنان در اقطار جهان منتشرند. به آن اندازه گوش به فرمان امام‌اند که طبق حدیث، مانند پاره‌های ابر پاییزی<sup>۱</sup> در لحظاتی اندک گرد هم می‌آیند و با آن بزرگوار می‌نشینند و دستور می‌گیرند و به کار می‌بندند. از فرمان او لحظه‌ای سر نمی‌پیچند. در برابر او از خود اراده ندارند؛ همان‌گونه که او در برابر خدا چنین است.

ایشان اعضای دولت آن حضرت‌اند. این گروه نیز، به نوبه‌ی خود، افراد صالح دیگری را بر سر کارها می‌گمارند. لذا امام زمان علیه السلام بر تمامی جهان سلطه‌ی ظاهری نیز دارد و از تمام گوشه و کنار جهان و جهانیان، اطلاعات دقیق در دست او هست.

در نتیجه، رسیدگی او به کلّ جهان از جهت ظاهری به مدیریت وسیع و دقیق و توان او مربوط است و به اطاعت و پیروی بی‌قید و شرط فرمان‌دهان و کارگزاران او که همگی فرمان‌بران امر حضرت اویند.

بد نیست بدانیم که این رسیدگی-آن‌سان که در کتب مربوط به این موضوع و گزارش‌های رسیده ثبت و ضبط است- در دوران غیبت هم به وسیله‌ی ایشان و کارگزارانشان- آن‌جا که بخواهند- صورت می‌گیرد.

در زمینه‌ی قدرت ظاهری و باطنی امام و یاران او، مراجعه

---

۱. منتخب‌الأثر: ۴۷۵، ح ۳؛ به نقل از روضه‌ی کافی.

فرمایید به:

- اصول کافی ۱: کتاب الحجّة.
- بصائر الدرجات، بخش قدرت و علم امام.
- منتخب الأثر: ۳۹۲، ۴۷۵، ۴۷۸، ۴۸۴، ۴۹۰.
- روزگار رهایی ۲: دولت حق.
- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۵۱۲-۵۲۳.
- معرفت امام عصر علیه السلام.
- معرفت محبوب.

سؤال: از نظر علم و عقل، چگونه می‌توان طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را اثبات کرد؟ آیا درازی عمر ایشان با سنت طبیعت مخالف نیست؟

جواب: امروز مسأله‌ی طول عمر بیشتر از روزگاران پیش حل شده است؛ چرا که بسیاری از حقایق پنهان و اسرار جهان کشف گردیده است. در فلسفه و منطق، قضیه‌ی «أُمُّ الْمَسَائِلِ» معروف است. این قضیه پایه‌ی سایر دلایل عقلی است و تمام ممتنعات عقلی را به آن برمی‌گردانند و آن، امتناع اجتماع دو نقیض است؛ یعنی این‌که: در یک زمان و یک جا و از یک جهت و شرایط دیگر هستی و نیستی دو نقیض با هم اجتماع نمی‌کنند. در فلسفه تمامی مُحَالَات را به واسطه یا بی‌واسطه به اصل «امتناع اجتماع دو نقیض» برمی‌گردانند و الاّ چیزی محال نخواهد بود.

اکنون آیا درازی عمر امام زمان علیه السلام با قانون «أُمُّ الْمَسَائِلِ» عقل مخالفت دارد؟ آیا مستلزم اجتماع هستی و نیستی در یک شیء است؟

از نظر علوم تجربی چه‌طور؟ آیا در علوم تجربی عمر حدّ معینی دارد؟ اگر چنین است، چرا در قرن بیستم حدّ متوسط عمر

بیشتر از سال‌های پیش گشته است؟ بشر توانسته است حدّ متوسط عمر انسان را بالاتر برد. مرگ و میر در اعصار گذشته بیشتر بوده است؛ لیکن مرگ و میرهای حاکم بر نسل‌های گذشته - که به خاطر نبود بهداشت بود - امروزه تقریباً از بین رفته است. اکنون هنوز بشر در حال تلاش است که داروهایی بسازد تا عمر انسان را بیفزاید. از نظر علوم تجربی هنوز حدّی برای عمر بشر تعیین نشده است.

علوم تجربی می‌گوید: اگر کسی بهداشت و تغذیه را مراعات کند و یک‌سری ورزش‌ها و مراقبت‌ها را انجام دهد، عمر دراز می‌یابد.

به علاوه این که در بسیاری از دانشگاه‌های دنیا از دو قرن پیش تا به امروز تلاش بر این است که داروی جوانی را پیدا کنند. این خود دلیل دیگری است بر این که عمر انسان حدّ معینی ندارد. البته کسی ادّعا نمی‌کند که عمر شریف امام زمان علیه السلام طبیعی و عادی است. ادّعا این است که طول عمر او مخالف علوم و عقل نیست و در عین حال این اراده‌ی الاهی است که عمر ایشان را طولانی کرده است.

دیگر این که کسانی که این پرسش را دارند، مسلمان‌اند یا غیر مسلمان؟ اگر غیر مسلمان‌اند که این مسأله بالنسبه به اصل اسلام و قرآن یک مسأله‌ی فرعی است. آنان باید در مسأله اصولی به تحقیق پردازند و اگر مسلمان‌اند، قرآن کریم از کسانی مانند حضرت نوح علیه السلام نام برده است که به صریح قرآن مجید، ۹۵۰ سال تنها یک‌بخش عمرش بوده است. این مدّت پیش از طوفان است. پس از طوفان چه قدر عمر کرده است؛ خدا می‌داند!



﴿پس نوح در میان قوم به مدّت ۹۵۰ سال درنگ کرد﴾<sup>۱</sup>

از اصحاب کهف سخن به میان آمده است که مدّت ۳۰۰ سال خوابیدند. سپس بیدار شدند و مدّتی زندگی کردند.

﴿و آنان (اصحاب کهف) در غار خود سی صد و نه سال درنگ کردند...﴾<sup>۲</sup>

هم چنین گویند حضرت سلمان فارسی صحابی معروف پیامبر اکرم ﷺ حدود سی صد سال عمر کرده است. او چند نسل حواریون عیسی را درک کرده و هر کدام از آنها را بررسی کرده و به دنبال پیغمبر بعدی می گشته است. هر کدام از آنان جانشین خود را معرفی کرده اند تا نوبت به پیغمبر اکرم ﷺ رسیده است. او شنیده بود که در مدینه و مکه پیامبری ظهور خواهد کرد و دوره ی حواریون به پایان خواهد رسید. (درباره ی زندگانی سلمان فارسی، نگاه کنید به کتاب «نفس الرّحمان فی فضائل سلمان» نوشته ی محدّث نوری و نیز لغت نامه ی دهخدا ذیل لغت سلمان).<sup>۳</sup>

نتیجه این که از نظر عقل، طول عمر آن حضرت مستلزم

---

۱. عنكبوت (۲۹): ۱۴. ۲. کهف (۱۸): ۲۵.

۳. هم چنین: أعيان الشّيعه ۶: ۲۷۹ - ۲۸۷؛ سیر أعلام النبلاء ۱: ۵۰۵ - ۵۵۸؛ مختصر تاریخ دمشق ۱۰: ۲۸ - ۵۶؛ معجم رجال الحدیث ۸: ۱۸۶ - ۱۹۹؛ صفة الصّفة ۱: ۵۲۳ - ۵۵۶؛ الدرجات الرّفیعة: ۱۹۸ - ۲۲۰؛ الأعلام ۳: ۱۱۱ - ۱۱۲؛ الطبقات الكبرى ۴: ۷۵ - ۹۳. نشر آفاق ترجمه ی نفس الرّحمان را با نام «سلمان فارسی، از سپاهان تا مداین» در دست انتشار دارد. (ویراستار)

تناقضی نیست و هیچ امتناع و مُحالی را در بر ندارد. از نظر علوم تجربی هم حدّ معینی برای عمر معین نشده است؛ حتی دانشمندان تلاش می‌کنند که عمر طبیعی انسان را بالا ببرند و دنبال داروی جوانی‌اند. مسأله این است که عادت موجود چنین عمری را بعید می‌داند. کسی هم مدّعی عادی و عمومی بودن مدّت عمر او نیست؛ بلکه ما آن را یکی از مظاهر قدرت‌نمایی خدای متعال و از سنن اقلّی حق می‌دانیم. در این باره، به کتب زیر مراجعه شود:

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، فصل سیزدهم.

- روزگارهایی ۱: ۲۳۹-۲۶۲.

- گفتارهایی پیرامون امام زمان فصل ۸: ۱۰۷ تا ۱۲۲.

- خورشید مغرب: ۱۹۱ تا ۲۱۷ (فصل ۱۰).

- المهدی: ۱۳۵-۱۴۴.

- طول عمر امام زمان عجل الله فرجه از دیدگاه علوم و ادیان.

- دیرزیستی حضرت مهدی علیه السلام.

- زنده‌ی روزگاران.

- طول عمر، کهولت و پیش‌گیری از پیری.

سؤال : می‌گویند روایت است هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کنند، آن اندازه از دشمنان اسلام و قرآن می‌کشند که تا زانوی اسبشان خون جاری می‌شود. از طرف دیگر، روایات متواتر آمده است که آن حضرت عدل و داد و محبت را در زندگی انسان‌ها نشر می‌دهند. این دو مسأله چگونه سازگار است؟

جواب : پاسخ را از نقطه‌ی دورتری شروع می‌کنیم. هدف انبیا و مرسلین و اوصیا و مصلحان الاهی، طبق آیه‌ی قرآن کریم، این است: ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾<sup>۱</sup>. آن‌ها قیام می‌کنند تا عدل را برپا سازند. این قیام در سطح تمام کره‌ی زمین و به‌طور فراگیر، جز در عصر امام زمان علیه السلام و به دست توانای او امکان‌پذیر نیست.

پس هدف نهایی از قیام انبیا و اولیا ایجاد فضایی است در سطح جهان تا عموم مردم خداپرست و مسلمان و پاکیزه شوند و ندای لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللهِ جهان را آکنده سازد. این هدف نهایی است. از زمان آدم ابوالبشر تا زمان خاتم صلوات الله علیه این

۱. حدید (۵۷): ۲۵.

آرزو تحقق نیافته است؛ اگرچه تمامی انبیا و پیغمبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر کدام مقداری از زمینه‌ی آن را ایجاد کرده‌اند.

امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام در این راه تلاش کرده‌اند و مصلحان و مبلغان و نویسندگان و شاعران فعالیت داشته‌اند؛ اما تا به امروز هنوز عدل و توحید - که خداوند همگانی‌شدن آن را وعده‌ی حتمی داده است - فراگیر نشده است. متصدی و متولی این امر مهم امام دوازدهم، حجة بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَام است. او در قرآن و روایات شیعه و بسیاری از احادیث سنی معرفی شده است. (آن‌ها به اصل مهدویت معترف‌اند؛ اگرچه برخی از مشخصات دقیق شخص مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را - آن‌گونه که شیعه اعتقاد دارد - نیاورده‌اند.)

خلاصه این‌که هدف نهایی بشر، از بدو تکون، رسیدن به حکومت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است و تمامی ادیان، گروه‌ها، سیستم‌های فکری، هر یک به گونه‌ای این امید و آرزو را داشته‌اند. در زمان خروج و ظهور آن حضرت و تشکیل دولت جهانی، عده‌ای، از روی حق‌ناپذیری و خودخواهی، مخالفت خواهند نمود و مواعی بر سر راه ایجاد خواهند کرد. چاره چیست؟ عقل چه حکم می‌کند؟ آیا به خاطر این تعداد اندک، تحقق این آرزوی بشریت صورت نگیرد و امید جهانیان به یأس و نومیدی بدل شود؟! این جاست که دفاع و جنگ پس از اتمام حجّت و دعوت به آرامش، ضروری خواهد بود تا آن حضرت به راحتی حکومت را پیاده کند.

در راه تحقق آن آرمان، او از جنگ ناگزیر خواهد بود؛ اما چنین نیست که از ابتدای خروج شمشیر بکشد و مخالفان را از دم تیغ

و شمشیر بگذرانند. او مدّت‌ها مردم را به اسلام و قرآن دعوت می‌کند. دوره‌ی استقرار حکومت او به درازا می‌کشد. دوره‌ی استقرار یعنی دوره‌ای که آن حضرت مردم را آگاه می‌سازد. اوّلین جمله‌ای که می‌گوید، این است:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ؛ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» وَ أَنَا بَقِيَّةُ

اللَّهِ.»<sup>۱</sup>

این دعوت مهربانانه نشان می‌دهد که او همانند جدّ خود دریای رحمت و رأفت است. آن‌گاه که به تمام اقوام و ملّت‌ها اسلام حقیقی عرضه و حجّت تمام شد، ناچار به روی مخالفان معاند شمشیر می‌کشد؛ چرا که اراده‌ی حتمی خداوند بر این تعلق گرفته است که حکومت او استقرار یابد و پس از دعوت و اتمام حجّت، باید با معاندان توحید و عدل مقابله کرد.

این ناچیز، تا کنون به روایت اشاره شده در آغاز سؤال برخورد نکرده است و در یک جستجوی کوتاه نیز یافت نشد. از طرف دیگر، در روایات بسیاری آمده است که امام زمان علیه السلام منصور بالرّعب و مؤیّد بالنّصرند<sup>۲</sup>. (رعب در دل حکومت‌ها می‌افتد و حکومت ایشان مورد تأیید خداوند قرار می‌گیرد.) با اندیشیدن در چند گروه از احادیث، هر عقل سالم و فطرت پاک قیام به شمشیر و جنگ و مقابله را خواهد پذیرفت.

نکته‌ی سوم این‌که: می‌توان مصداق آن دسته احادیث را- اگر

۲. همان.

۱. منتخب‌الأثر: ۲۹۲، ح ۱.

وارد شده باشد۔ در روزگار نزدیک ظهور دانست؛ چرا که در یک دسته روایات گفته شده است که قبل از ظهور آن حضرت، جنگ‌های بسیار انجام می‌شود و بسیاری از مردم جهان نابود می‌شوند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«پیش از قیام قائم دو مرگ هست: مرگ سرخ و مرگ سفید تا از هر هفت نفر پنج نفر از میان برود. مرگ سرخ، مرگ با شمشیر (جنگ) است و مرگ سفید طاعون است.»<sup>۱</sup>

در نتیجه: اگر جنگ و نابودی مردم هست، پیش از ظهور خواهد بود. این هم از علایم بَدایذیر ظهور است. آن حضرت با شمشیر جدش پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور می‌کند و پس از دعوت مردم با جمعی از حق‌گريزان آنان به جنگ می‌پردازد.

در این زمینه و کیفیت ظهور و قیام با شمشیر، نگاه کنید به:

– منتخب الأثر: ۳۰۲، ۴۲۱، ۴۲۴، ۴۸۰، ۴۸۱.

– غیبت نعمانی: ۲۴۷، ۲۸۳، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۱۱.

– المهدی: ۱۹۱، ۲۱۷، ۲۲۱.

– منتهی الآمال ۲: ۸۷۳.

– روزگار رهایی ۲: ۸۸۹ و ۹۹۸ (بخش ۱۸ و ۱۹).

– رهایی بخش.

---

۱. همان: ۴۴۱، ح ۷.

سؤال : درباره‌ی امام زمان علیه السلام در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا؟» (کجاست آن گرفتار ناگزیری که اگر دعا کند، مستجاب شود؟) مگر خداوند قول داده است دعای کسی را مستجاب کند؟ حال آن‌که خدا درباره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

﴿چه برایشان استغفار کنی و چه نکنی - حتی اگر هفتاد بار طلب آمرزش کنی - خداوند آنان را نمی‌آمرزد.﴾<sup>۱</sup>  
 چگونه می‌گوییم: دعای امام عصر روحی فداه حتماً مستجاب می‌شود؟ چرا او مضطرّ است؟ چرا برای اضطرار خود دعا نمی‌کند؟

جواب : در مواردی از قرآن کریم خداوند متعال استجابت دعا را تعهد فرموده است؛ از جمله در سوره‌ی مؤمن (غافر)<sup>۲</sup>:

﴿مرا بخوانید که دعایتان را مستجاب می‌کنم.﴾  
 و در سوره‌ی هود، آیه‌ی ۳:

﴿از خداوند آمرزش بخواهید؛ سپس توبه کنید که پروردگار من نزدیک و پذیرای دعاست.﴾

۲. مؤمن (۴۰): ۶۰.

۱. توبه (۹): ۸۰.

نمونه‌ی دیگر آیه‌ی مبارکه‌ی سوره‌ی نحل<sup>۱</sup> است:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ؟﴾

﴿چه کسی دعای گرفتار ناچار را- هنگامی که او را بخواند-

اجابت می‌کند و بدی را (از او) دور می‌سازد؟﴾

این آیه‌ی کریمه می‌گوید: مضطر- هر که باشد- خداوند دعای او را مستجاب می‌کند و این خود وعده‌ای است از خداوند به عده‌ای خاص. به همین خاطر است که شیعیان به هنگام گرفتاری‌ها- آن‌گاه که به آستان الاهی پناهنده می‌شوند و دست دعا به سوی آسمان بلند می‌کنند- بارها و بارها این آیه را با حال اضطرار تلاوت می‌کنند و رفع گرفتاری خویش را- که در رأس آن‌ها، غیبت امامشان حضرت مهدی علیه السلام است- از درگاه خداوند مسألت می‌دارند. به اضافه این‌که طبق احادیث شیعه، مضطر امام زمان علیه السلام است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«او (قائم آل محمد صلی الله علیه و آله) سوگند به خدا مضطر در

کتاب خداست آن‌جا که فرمود: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ...﴾<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«آیه دربارهی قائم علیه السلام نازل شده است. به خدا سوگند،

او در مقام ابراهیم (خانه‌ی خدا) دو رکعت نماز می‌خواند و

خدا را می‌خواند. خدا دعای او را اجابت می‌کند و بدی را از

او دور و او را خلیفه‌ی زمین قرار می‌دهد.»<sup>۳</sup>

۲. بحار الأنوار ۵۲: ۳۴۱.

۱. نحل (۱۶): ۶۲.

۳. همان ۵۱: ۴۸.



خوانندگان گرامی به کتاب نام محبوب (گفتار ۴، صص - ۸۷ -  
۱۱۳) و نجم ثاقب (بخش نام‌ها و القاب امام زمان علیه السلام) مراجعه  
فرمایند.

بنابراین، ادّعی این که خداوند قول نداده است که دعای کسی  
را حتماً مستجاب کند با خود آیه‌ی قرآن نقض می‌گردد.

این که درباره‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد که استغفار ایشان  
درباره‌ی برخی کسان بی‌فایده است، باید بدانیم درباره‌ی رسول  
اکرم صلی الله علیه و آله این آیه نازل شده است که:

﴿پیامبر ما! اگر گناه کاران نزد تو آیند و  
آمزش خواهی کنند و تو برای ایشان آمزش بخواهی،  
خداوند را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت.﴾<sup>۱</sup>

علاوه بر این که در احادیث، فراوان آمده است: دعای پدر و  
مادر در حقّ فرزندان، دعای مظلوم در حقّ یاری کننده و... مستجاب  
می‌شود.

آیه‌ای که می‌گوید:

﴿پیامبر! چه آمزش بخواهی و چه نخواهی خداوند آنان را  
نمی‌آمزد﴾، درباره‌ی منافقان است که به خاطر نفاق، حتی  
پیامبر صلی الله علیه و آله نباید برای آنان طلب آمزش کند. این علامت خشم  
خداوند بر آنان است و به مستجاب الدعوة بودن پیامبر صلی الله علیه و آله ارتباط  
ندارد.

---

۱. نساء (۴): ۶۴.

دعای امام زمان علیه السلام - که مصداق اتم گرفتار و مظلوم اند - در حق دیگران مستجاب خواهد شد.

این که چرا آن حضرت را مضطر می خوانیم، مراد، اضطرار و گرفتاری به خاطر غیبت است که آن هم ناشی از گناهان مردم است. به حکمت خداوندی غایب شده اند و روزی ظهور خواهند فرمود. لذا آن حضرت نیز مأمور است برای فرج خود دعا کند. با این همه، ظهور به دست خداوند است و به هنگامی که اراده کند، آن دعا را نیز مستجاب خواهد کرد؛ چنان که در روایات مربوط به آغاز ظهور آمده است که: در یکی از دفعاتی که در آن حضرت کنار خانه‌ی کعبه آیه‌ی ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ...﴾ را می خواند، به یک باره فرمان ظهور صادر می شود.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الأنوار ۵۱: ۴۸، ح ۱۱.

سؤال : آیا صحیح است که می‌گویند: امام زمان  
عجل الله تعالی فرجه تا فلان سال ظهور می‌کنند و بسیاری از  
علایم ظهور ایشان تحقق یافته و زمینه‌های آن آماده و رو  
به اتمام است؟

جواب : درباره‌ی علایم ظهور و این که بسیاری از آن به وقوع  
پیوسته و برخی هنوز اتفاق نیفتاده است، در پاسخ‌های دیگر توضیح  
داده‌ایم و گفته‌ایم که علائم ظهور، زمینه‌های ظهور و نه علل تامّی  
آن است. وقوع این علایم، ظهور را حتمی نمی‌کند. روایات بداء بر  
این دلالت می‌کنند که علایم ظهور همه بدایی است و آن چه که حتمی  
است، اصل ظهور امام زمان ارواحنا فداه است. یکی از شباهت‌های  
حضرت مهدی علیه السلام با حضرت یوسف علیه السلام چنین بیان شده است:

«يُصَلِّحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ»<sup>۱</sup>

«خداوند کار (ظهور) او را یک شبه اصلاح می‌کند.»

دیگر این که در روایات متعدّدی آمده است:

«كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ، كَذِبَ

الْوَقَّاتُونَ!»<sup>۲</sup>

۱. منتخب الأثر: ۳۰۰، ح ۳.

۲. همان: ۴۶۳، ح ۱.

«کسانی که وقت (ظهور) را تعیین می‌کنند،  
دروغ‌گویند؛ دروغ‌گو، دروغ‌گو!»

هم‌چنین فرموده‌اند: ظهور امام عصر روحی فداء همانند برپایی قیامت است؛ همان‌سان که زمان قیامت مشخص نیست، هنگام ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه نیز بر کسی روشن نیست.

نکته‌ی دیگری که ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام در روایات تأکید کرده‌اند این‌که: برای فرج و ظهور وقتی تعیین نشده است و ما نیز وقت تعیین نمی‌کنیم.

از مضمون روایات برمی‌آید که خداوند متعال وقت ظهور را تعیین و تقدیر نکرده است و تنها خود خدا آن را می‌داند و حتی به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام ابلاغ نفرموده است. بنابراین، وقتی گفته می‌شود: در فلان سال ظهور خواهد شد، این بدان معناست که تا آن سال حتماً ظهور نخواهد بود و این خود یک دروغ آشکار و خلاف صریح روایات یادشده است؛ چرا که روایات به ما آموخته‌اند:

«تَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلِكَ وَ نَهَارِكَ.»<sup>۱</sup>

«هر شب و روز، منتظر ظهور صاحب خود باشید.»

لازم دیگر تعیین سال ظهور این است که دیرتر از آن امکان ندارد. این هم از نظر احادیث مردود است.

بنا بر این، کسانی که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند

---

۱. بحار الأنوار ۹۸: ۱۵۹.

دروغ گویند؛ چرا که هر لحظه ممکن است ظهور حضرتش بآذن الله  
واقع شود. **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ.**

در این زمینه، نگاه کنید به:

- موعود روزگاران.

- در انتظار امام.

- آفاق انتظار.

- انتظار بذر انقلاب.

- در فجر ساحل، بخش حماسه‌ی انتظار.

- خورشید مغرب، بخش انتظار.

- کافی ۱: ۳۶۸.

- منتخب‌الآثر: ۴۶۳.

- امامت و مهدویت، بخش انتظار.



سؤال : معنای این که زمین در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام پُر از ستم می شود چیست؟ آیا دیگر در جایی عدل و داد نخواهد بود؟ آیا مردمان عادی نیز به یک دیگر ستم روا می دارند؟ این که امروزه غربی ها ادعا می کنند که در کشورهای آنان قانون و عدل حکم فرماست و در جایی ظلم و ستم دیده نمی شود درست است؟

جواب : توجه به دو نکته زمینه‌ی پاسخ به این پرسش را فراهم می کند:

۱- معنای پُر بودن و پُر شدن: در مواردی پُری یک امر نسبی است و در اندک مواردی امری مطلق است. وقتی می گوییم: «استخر پُر از آب است»، در این جا پُری معنای حقیقی و مطلق دارد و ممکن است حتی آب از آن سرریز شود؛ اما در جمله‌ی «سالن پُر از جمعیت است»، پُر بودن امر نسبی و غیر حقیقی است؛ چرا که تنها کف سالن و صندلی های آن پُر است. حال آن که می دانیم خالی بودن چندین صندلی هم در گوشه و کنار با این جمله متناقض نیست و علاوه بر آن، فضای سالن تا سقف آن نیز خالی است. پس جمله‌ی «سالن پُر از شنونده است» با جمله‌ی «استخر پُر از آب است» تفاوت دارد.

معنای پُربودن زمین از ستم و جور، معنایی عرفی و نسبی دارد. البته در جوامع بشری - هر جا نظر می‌کنیم - ستم به چشم می‌خورد و فساد همه‌جایی است؛ اما می‌دانیم که در دل همین ستم و جور، نیکوکاری و احسان و عدل نیز یافت می‌شود.

۲- معنای ظلم و ستم از نظر قرآن و اصطلاحات اسلامی تنها به ستم اجتماعی و ظلم حاکمان اطلاق نمی‌شود؛ بلکه هرگونه گناه و مخالفت با اوامر و نواهی الهی، ظلم شمرده شده است. یکی از بیش‌ترین واژه‌های آمده در قرآن کریم، لغت ستم به خود (ظلم به نفس) است؛ مانند:

﴿رَبَّنَا، ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا﴾<sup>۱</sup>

﴿پروردگارا! ما به جان خود ستم روا کردیم.﴾

یا:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا

اللَّهِ...﴾<sup>۲</sup>

﴿و اگر آن‌ها هنگامی که به خود ستم کردند، نزد تو -

ای پیامبر ﷺ - آمدند و استغفار می‌کردند...﴾

در مواری نیز شرک را ظلم بزرگ تعبیر فرموده است:

﴿يَا بُنَيَّ، لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ! إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

﴿لقمان گوید: پسرکم! برای خداوند انبازی مدان

که (برای خدا) انباز انگاشتن ستم بزرگی است.﴾

۲. نساء (۴): ۶۴.

۱. أعراف (۷): ۲۳.

۳. لقمان (۳۱): ۱۳.

نتیجه این شد که معنای پُرشدن زمین از ظلم پُرشدن از گناه و آلودگی و گناه‌های فردی و جمعی است. البته وقتی چنین شد، ظلم و ستم اجتماعی نیز به دست حاکمان فراگیر خواهد شد.

حال این که غربی‌ها کشورهای خود را به خاطر عمل به قوانین اجتماعی پُر از عدل می‌دانند سخنی است بس گزاف؛ چرا که اولاً: ظلم‌های فردی و انحرافات اخلاقی و اعتقادی در آن کشورها بسیار فراوان است و ثانیاً: پناه‌بردن به مواد مخدر و بیماری‌های روحی و رسیدن به بُن‌بست در آن سرزمین‌ها فزونی یافته است. آیا تجاوزهای مالی و عُنُفی افراد در غرب - که از حد گذشته است - بی‌عدالتی نیست؟ کجا و در کدام کشور امنیت و آرامش کامل روحی و اجتماعی یافت می‌شود؟ آیا تجاوزهای جمعی و استعمار و استثمار ممالک و ملت‌ها به نفع خودشان، عدالت است؟ آیا تسخیر کردن نیروهای درخشان ممالک اسلامی و جهان سوم به وسیله‌ی کشورهای اروپایی و غرب، عدالت است؟

گمان می‌کنم اگر قانون ظاهری در غرب حاکم است، به خاطر بهتر استثمار کردن دیگر سرزمین‌ها و جذب نیروهای انسانی و مالی آن‌ها برای بهره‌ی خودشان است و گرنه، در آن کشورها نه تنها عدالت حقیقی رخ ننموده است؛ بلکه مردمانِ حق‌جو تشنه‌ی عدالت واقعی و جامعه‌ی ایده‌آلی‌اند که هنوز بدان دست نیافته و فاقد آن‌اند.

برای آشنایی با گوشه‌هایی از جامعه‌ی غربی، مراجعه کنید به:

- بحران دنیای متجدد.

- جهان در قرن بیستم.



سؤال : این که می گویند حضرت مهدی علیه السلام مردم را به کتاب و آیین خودشان دعوت می کنند، چه معنی دارد؟ مگر آن حضرت مردم را به اسلام و قرآن دعوت نمی کنند؟

جواب : حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله تمامی اقوام را به کتاب خود آنها دعوت می کنند. به یهود می گویند: در کتاب تورات، درباره ی ظهور من چنین است. به نصاری می گویند: در کتاب انجیل حکومت من چنین و چنان معرفی شده است. به زرتشتیان و هندوان و... و نیز با تمامی اهل ادیان با کتب خود احتجاج و استدلال و حقایق اسلام و امامت و حکومت خود را اثبات می فرمایند.  
در حدیث آمده است:

«همانا مهدی علیه السلام تابوت سکینه را از غار انطاکیه بیرون می آورد و سفرهای تورات را از کوهی در شام استخراج می نماید و با آن با یهود محاجه و استدلال می کند و بسیاری از آنان اسلام می آورند.»<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، بر پیروان همه ی ادیان الهی و مکاتب بشری اتمام حجّت خواهد شد و همه با وحدت و یگانگی در عقیده و مرام

۱. منتخب الأثر: ۳۰۹، ح ۴؛ بحار الأنوار ۵۱: ۲۹ و ۵۲: ۳۵۰.

در سراسر گیتی زیر پرچم توحید و اسلام و قرآن گرد خواهند آمد. در این زمان کتاب آسمانی، قرآن است و دین، اسلام. قطب عالم امکان حضرت بقیة الله علیه السلام تعلیم دهندى این آیین آسمانى و مفسر حقیقى کلام الله است. مردمان همه یک دل و یک زبان به زندگى ادامه مى دهند و یک پارچگى و یگانگى واقعى حکم فرما خواهد بود.

در این بخش، نگاه کنید به:

- اصول کافی ۱: ۲۲۴، ح ۳-۶ و ص ۲۲۷، ح ۱ و ۲.

- منتخب الأثر: ۳۰۹، ح ۱-۵ و ۳۱۲، ح ۱-۵.

- خورشید مغرب: ۳۳۵، فصل ۱۴.

درباره‌ی تابوت و انطاکیه، مراجعه کنید به:

- لغت نامه‌ی فارسى.

- قاموس کتاب مقدس.

سؤال: آیا فقاہت و اجتهاد در زمان آن حضرت نیز به حالتی که در زمان ما جریان دارد، خواهد بود یا این که به کلی از بین می‌رود؟

جواب: در پاسخ این پرسش، نکاتی چند را تحلیل می‌کنیم: نخست باید بدانیم که: چرا فقاہت و اجتهاد به وجود آمد؟ اجتهاد واژه‌ای است که شیعه آن را در این معنی از سنّیان گرفته است و الا در فرهنگ شیعه به جای اجتهاد، واژه‌ی تفقه به کار می‌رود. فقاہت به وسعت امروزه در روزگار ظهور به کار نخواهد رفت و سطح آن تفاوت خواهد کرد.

زمینه‌ی به وجود آمدن اجتهاد و فقاہت در این سطح، به غیبت پیشوایان معصوم برمی‌گردد. این که حضرات امامان علیهم‌السلام در نزد همه‌ی مردم حضور ندارند، باب فقاہت را برای عمل به احکام دینی به روی آنان باز می‌کند؛ زیرا فقهای بزرگوار، روایات مختلف را با هم می‌سنجند و در صورت وجود تعارض، آنها را حلّ و حکم را استنباط می‌کنند. به همین خاطر، احکام فقها از نظر فقه شیعه حکم‌های ظاهری است.

باید دانست در دوران غیبت، باب علم و یقین به احکام واقعی

بسته است و مردم به احکام ظاهری عمل می‌کنند؛ اما در روزگار حکومت آن حضرت، به خاطر ارتباط مستقیم با شخص امام زمان علیه السلام و فزونی وسایل ارتباطی، ابهام در احکام به صورت گذشته از میان می‌رود و احکام، احکام الاهی و واقعی خواهد بود. خود امام می‌فرماید: حکم فلان موضوع، این است. گفته‌های ایشان - که حدیث و وحی است - شنیده و عمل می‌شود و تقیّه در زمان ایشان از بین می‌رود.

در اعصار پیش از ظهور چنین نبوده است. فقیهان متصدی بیان احکام، بر پایه‌ی استنباط خود از اصول بوده‌اند. بنابراین، در عصر حکومت حضرت مهدی علیه السلام دیگر به این نحو فقاہت و استنباط نیازی نیست؛ بلکه مرحله‌ای از فقاہت و استنباط وجود دارد که با گذشته متفاوت است؛ به این گونه که کارگزاران حضرت صاحب الزمان و جانشینان آنها در بین مردم احکام را برایشان بیان می‌کنند. البته نوعی استنباط و فقاہت رقیق در آن دوران نیز وجود دارد؛ نه به این وسعت؛ چرا که در گوشه و کنار جهان، بیان جزئیات حکم فراوان به استنباط فقیه از حکم و شناخت او از موضوع بستگی دارد.

در موضوع فقه و فقاہت و ریشه و تاریخ آن، مراجعه کنید به:

- ادوار فقه.

- تقریرات فقه.

- دائرة المعارف فارسی، «فقه».

سؤال : در روایاتی، حکومت حضرت مهدی علیه السلام به حکومت حضرت داوود علیه السلام تشبیه شده است. این شباهت به چه جهت صورت گرفته است؟

جواب : به نقل قرآن کریم، یکی از اختصاصاتی که حضرت داوود علیه السلام داشت این بود که خداوند او را حاکم قرار داد:

﴿إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ

بِالْحَقِّ﴾<sup>۱</sup>

حضرت داوود علیه السلام اولین کسی در تاریخ بود که در مرافعات و دعاوی حکومت به باطن می کرد؛ یعنی هنگامی که دو نفر اختلاف داشتند، آنان را نزد حضرت داوود علیه السلام می آوردند و آن حضرت مسأله را، به علم الاهی خود (یعنی بر پایه ی آگاهی اش از واقعیت های نهان) حل می کرد.

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام چنین نبود. آن حضرات طبق ظاهر حکم می کردند؛ اما در زمان ظهور، افراد در دعاوی خود، برای اثبات مدعا نزد حضرت صاحب الزمان علیه السلام می روند و آن مطلب

۱. ص (۳۸): ۲۷.

به سادگی حل می‌شود.

باید دانست که نفس این نحوه قضاوت زمینه‌ی بسیاری از تجاوزات و طرح دعاوی نابه‌جا را - که امروزه در بین گروهی زیاد از مردم پیش می‌آید - از بین می‌برد؛ چرا که همگان می‌دانند که با ظاهرسازی و دلیل‌تراشی نخواهند توانست حقی را باطل و باطلی را حق جلوه دهند. به زبان دیگر، می‌دانند قاضی مأمور به باطن است و حکم او برخاسته از علم الاهی است و آن بزرگوار به علم الاهی خود عمل می‌کنند.

شبهات حکومت امام زمان علیه السلام به حکومت حضرت داوود علیه السلام در این است که به باطن حکم می‌کنند و بی‌تنبه و شاهد نمی‌طلبند.<sup>۱</sup> در این موضوع، مراجعه فرمایید به:

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۶۰۶ - ۶۱۱.

- منتخب الأثر (عربی): ۳۰۹.

- روزگار رهایی ۲: ۶۴۴ - ۶۴۸.

- المهدی (عربی): ۸۴.

- کمال هستی در عصر ظهور: ۱۳۵.

- خورشید مغرب: ۳۵.

- بحار الأنوار (عربی) ۳۶: ۳۰۳.

---

۱. منتخب الأثر: ۳۰۸، ح ۱.

سؤال : چه فرقی بین امام زمان علیه السلام و سایر انبیا و اولیا بود که از میان تمامی انبیا و اولیا، تنها آن حضرت می‌توانند به خواسته‌ی خدا و امید مردم جامه‌ی عمل بپوشانند؛ ولی سایر انبیا و امامان و بزرگان نتوانسته‌اند و نمی‌توانند؟ آیا مردم را به پذیرش حکومت خود اجبار می‌کنند؟ مگر قرآن نمی‌گوید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾؟

جواب : در حقیقت، پرسش این است که چرا امامانِ دیگر این برنامه‌ی جهانی را پیاده نکرده‌اند و تنها امام زمان ارواحنافداه تحقق می‌بخشند؟ نیز- با توجه به این که می‌گوییم: ﴿در دین اجباری نیست﴾- چگونه آن حضرت مردم را مجبور می‌کنند که برنامه‌ی ایشان را بپذیرند؟

قسمت اول خود دارای دو نکته است: یکی این که خدا نخواست است؛ دوم این که: مردم هنوز آمادگی اجرای چنین برنامه‌ای را پیش از حکومت حضرت مهدی علیه السلام نداشتند. لذا حتی در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام هم آن برنامه‌ی کامل اسلامی اجرا نشد. مردم نتوانستند حکومت امام علی علیه السلام را تحمل کنند. حکومت امام حسن علیه السلام را هم نپذیرفتند و الا هرگز امام حسن علیه السلام با معاویه صلح

نمی‌کردند. امام حسین علیه السلام را هم دعوت کردند. بعد جوّ سیاسی را به سرعت تغییر دادند؛ تا آن‌جا که در کربلا راه را بر امام حسین علیه السلام بستند. حضرت امام حسین علیه السلام مسلم بن عقیل را پیش از خود فرستاده بودند. مردم با او بیعت کردند. سپس او را تنها گذاشتند؛ تا جایی که در مسجد کوفه چند نفر بیشتر نماندند و شب او را در جایی راه ندادند و تنهاش گذاشتند.

بنابراین، تمام حرکت‌ها و دعوت‌ها و استقبال‌ها ظاهری بود و نه برخاسته از امام‌شناسی. به همین خاطر، دشمنان با یک حرکت سیاسی، اوضاع را ۱۸۰ درجه به زیان مسلم بن عقیل تغییر دادند. در حکومت امام زمان علیه السلام همه‌ی گروه‌ها به کمک می‌آیند و آن حضرت را تأیید می‌کنند؛ زیرا دولت‌ها به این نتیجه می‌رسند که خود توان اداره‌ی جهان را ندارند. پس برای پذیرش حکومت امام زمان علیه السلام آمادگی کامل پیدا می‌کنند و آن را به جان می‌پذیرند. دیگر این‌که اگر امام زمان علیه السلام در گستره‌ی زمین حکومت را برقرار کنند، با مضمون آیه‌ی ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ هیچ‌گونه منافاتی ندارد؛ چرا که خواستِ خدا و عموم مردم جهان این است که آن حکومت جهانی تشکیل گردد. تنها عده‌ای معدود - که حق را نمی‌پذیرند - می‌خواهند پرچم مخالفت برافرازند و مثلاً بگویند: ما می‌خواهیم تشکیلات قومی و دینی خود را داشته باشیم. همه‌ی جهانیان می‌گویند: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ. آیا می‌شود برنامه‌ای به وسعت جهان را به خاطر عده‌ای معدود تعطیل کرد؟



گفتنی است که امام زمان علیه السلام در مورد مسایل حکومت جهانی خود مأمور به باطن نیستند و تنها در مورد قضاوت مرافعات و اختلافات مأمور به باطن اند و به دانش غیبی خود در مورد حکومت و پذیرش آن کاری ندارند و به ظاهر عمل می‌کنند.

بنابراین، جامعه‌ی آن روز مسلمان است و حکومت، حکومت اسلامی. شعارها، شعارهای اسلامی است. محله‌ای نیست که غیرمسلمانان در آن ساکن باشند. شخصی به نام یهودی یا مسیحی یا زردشتی یا بودایی یا برهمنی یا... شناخته نمی‌شود. تمام مردم تسلیم حق‌اند و «لا إلهَ إلاَّ اللهُ» می‌گویند؛ اگر چه اختیار و آزادی درونی مردم از بین نمی‌رود.

نتیجه این‌که: خواست خداوند حکیم و آمادگی مردم در آخرالزمان اقتضا می‌کند که وظیفه‌ی سنگین تشکیل حکومت جهانی را تنها و تنها امام زمان علیه السلام داشته باشد و این همان است که انبیا و اولیا به آن بشارت داده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿تمامی موجودات آسمان‌ها و زمین، خواسته و ناخواسته تسلیم او می‌شوند و به سوی او باز می‌گردند﴾<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم ما ظهور کند، زمینی نیست مگر در آن ندای لا إلهَ إلاَّ اللهُ و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهُ بلند می‌گردد.»<sup>۲</sup>

۲. المحجّة: ۵۰.

۱. آل عمران (۳): ۸۴.

درباره‌ی این موضوع، مراجعه فرمایید به:

- المحجّة (عربی): ۵۱، ۸۵، ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۴۱ و ۱۵۵.

- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن: ۹۵، ۱۳۸، ۱۵۰،

۱۶۸، ۱۹۱، ۲۳۱، ۲۵۰ و ۲۵۴.

- خورشید مغرب: ۱۱۴ - ۱۲۲ (فصل ۷) و ۸۹ -

۱۰۰ (فصل ۶).

- المهدي (عربی): ۲۵ - ۳۲.

- در فجر ساحل: ۳۱ - ۱۳۱.

- قیام جاودانه: ۱۳۸ - ۱۵۴.

سؤال : در هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام، طبق برخی احادیث، حضرت عیسی علیه السلام هم با امام زمان علیه السلام خواهد بود، آیا نصاری هم به حضرت مهدی علیه السلام ایمان می آورند و مسلمان می شوند یا سرسختی نشان می دهند؟

جواب : نخست این که از نظر آیات کریمه ی قرآن و احادیث مسلم شیعه، حضرت عیسی علیه السلام نمرده و به صلیب کشیده نشده اند. آن حضرت زنده اند و موضوع ایشان بر عیسویان آن روز مشتبه شد و خداوند آن حضرت را به سوی خود بالا برد:

﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ... بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ﴾<sup>۱</sup>

در احادیث شیعی وارد شده است که او در آسمان چهارم زندگی می کند. آسمان چهارم چیست؟ به درستی مشخص نیست. ثانیاً به مدلول احادیث بسیار شیعه و سنی، حضرت عیسی علیه السلام وزیر امام زمان علیه السلام است. آن پیامبر خدا به امام عصر

۱. نساء (۴): ۱۵۷ - ۱۵۸.

أرواحنا فداء اقتدا می کند و پشت سر او نماز می خواند.<sup>۱</sup>

ثالثاً: حضرت عیسیٰ علیه السلام از هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شده اند- به فرض این که در عالم تکلیف باشند و عبادات و تکالیفی انجام دهند- به آیین اسلام و روش پیامبر و احکام قرآن عمل می کنند و این که وزارت حضرت مهدی علیه السلام را به عهده دارند نیز این مطلب را تأیید می کند.

رابعاً: امت نصاری و مسیحیان نیز مانند سایر ملت ها ایند که بسیاری از آنان به ندای توحید و عدل منجی موعود لبیک می گویند و ایمان می آورند و اندکی از آنان مانند سایر افراد لجوج سرسختی نشان خواهند داد. مفسران طبق روایتی، آیه ی ۱۵۹ سوره ی نساء را که می فرماید:

﴿و هیچ کسی از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از

مرگ او به او ایمان می آورد.﴾

چنین معنی کرده اند: پیش از روز رستاخیز (در قیام حضرت مهدی علیه السلام) عیسای مسیح علیه السلام نزول می کند و هیچ کس از یهود و نصاری نمی ماند مگر این که به او ایمان می آورد.<sup>۲</sup>

بنابراین، طبق یک تفسیر از آیه و به حسب برخی احادیث، در آخر الزمان و حکومت حضرت حجّت علیه السلام اهل کتاب همگی به او ایمان می آورند.

---

۱. منتخب الأثر: ۳۱۶-۳۱۷، ح ۱-۸.

۲. کنز الدقائق ۲: ۶۷۹.

در این باره، مراجعه کنید به:

- روزگار رهایی ۲: ۵۹۱ (فصل ۱۴).
- سیمای حضرت مهدی عجل الله فرجه در قرآن: ۱۱۴ - ۱۱۵.
- ظهور منجی به روایت مسیحیت و اسلام.
- خورشید مغرب: ۵۷ - ۵۸ و ۹۶ - ۱۰۰.
- موعود روزگاران.
- منتخب الأثر: ۲۴۷، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۸.

سؤال : با توجه به این که طبق آیات کریمه‌ی ۱۴ و ۶۴ سوره‌ی مائده، کفر و شرک تا روز رستاخیر خواهد بود، آیا در حکومت امام زمان علیه السلام زمین از لوث کفر و شرک پاک می‌شود؟

جواب : دو آیه‌ی یادشده چنین است:

﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّا نَصَارَى، أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾  
 ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ: يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ! غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لَعْنُوا بِمَا قَالُوا، بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ، يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا. وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، كُلَّمَا أُوقِدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾

باید دید که منظور از «بینهم» (= میان آنها) در هر دو آیه کیست و دشمنی و کینه و خشم در میان چه کسانی است و معنای تا قیامت چیست؟

در محاورات روزمره می‌گوییم: بین من و تو دوستی تا روز قیامت. در زیارت عاشورا به امام حسین علیه السلام عرض می‌کنیم: «عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيََتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ» (= تا روز قیامت از جانب من بر تو سلام باد!) مگر من تا روز قیامت زنده‌ام؟! حتماً نه؛ لیکن محتوای جمله این است که این دوستی آن قدر ژرف و پابرجاست که به فرض وجود ما، تا روز رستاخیز دوام می‌یابد.

در این دو آیه می‌فرماید: آنان در کینه و دشمنی آن اندازه عمیق شده‌اند که اگر تا قیامت هم زنده باشند، باز آن دشمنی خواهد بود. این بخش آیه‌ی ۱۴ نیز عین همان بخش آیه‌ی ۶۴ است؛ به جز این که به جای «أَلْقِينَا» (= افکندیم) واژه‌ی «أَغْرِينَا» (= برانگیختیم) به کار رفته است.

نکته‌ی بعد این که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، انسان از ویژگی‌های فردی بیرون نمی‌رود و هوای نفس و شیطان ممکن است او را وسوسه کند. البته جامعه، جامعه‌ی عدل اسلامی و تقوی خواهد بود؛ همان‌سان که در قرآن بدان مژده داده شده است و تمام مردم خداپرست خواهند بود. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ  
لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ  
خَوْفِهِمْ أَمْنًا؛ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾<sup>۱</sup>

۱. نور (۲۴): ۵۵.

وعده این است که: بیم از میان مردم برداشته می شود؛ زمین در اختیار مستضعفان خواهد شد؛ عمل صالح انجام می شود؛ مردم خدا را عبادت می کنند و شرک نمی ورزند.  
در آیه ی دیگر می خوانیم:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ: أَنْ الْأَرْضَ  
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

بعد از تورات در زبور ثبت است که: وارثان زمین عباد صالح (= بندگان شایسته) خواهند شد. پس در حکومت امام زمان علیه السلام، زمین از آن صالحان و عاقبت از آن پرهیزگاران است:

﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۲</sup>

﴿عاقبت از آن پرهیزگاران است﴾

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ  
وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۳</sup>

ناتوان شمرده شدگان امام و وارث می شوند. اینان مؤمن اند و اهل عمل صالح. نیکی ایشان خواه ناخواه به دیگران هم تأثیر می کند. این ها آیات قرآنی است که می گویند: مردم خدا را می پرستند و شرک نمی ورزند. در روایات است که زمینی باقی نمی ماند مگر این که در آن ندا داده می شود که: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ

---

۱. انبیاء (۲۱): ۱۰۵.

۲. أعراف (۷): ۱۲۹؛ قصص (۲۸): ۸۴.

۳. قصص (۲۸): ۵.



مُحَمَّدَ أَرْسُولَ اللَّهِ. این مطلب را کتاب‌های عالمان سنی هم نوشته‌اند. با این همه، کینه و حسدهای شخصی هم ممکن است وجود داشته باشد؛ چون انسان‌اند و مختار و آزاد و دارای هوای نفس و تسلط شیطان. روشن است که تعداد این کسان فراوان نیست و اکثریت مردم تحت تربیت امام عصر ارواحنفاده خواهند بود.

خلاصه این‌که چهره‌ی عمومی جامعه‌ی بشری پاک شده از پلیدی، کفر، شرک و ظلم و جور است که در پهنه‌ی حکومت الاهی و رهبری فردی معصوم فراهم آمده است. ضمن این‌که افراد بشر نیز تکویناً فاقد اختیار نشده‌اند؛ بلکه به مصداق ﴿إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾<sup>۱</sup> با حُسن و یا سوء اختیار خود عمل می‌کنند. در این باره، مراجعه کنید به:

- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن.
- روزگار‌رهایی، بخش دوازدهم.
- امامت و مهدویت، ج ۲، عقیده‌ی نجات‌بخش.
- امامت و مهدویت، ج ۳، به سوی دولت کریمه.
- امامت و مهدویت، ج ۳، نوید امن و امان: ۸۹-۱۱۴.
- خورشید مغرب، ص ۳۲۲-۳۲۳.
- بحار الأنوار ۵۱: ۴۴-۶۴.

---

۱. انسان (۷۶): ۴.

سؤال : می‌دانیم رضایت و خشنودی امام  
 زمان علیه السلام از ما، در گرو داشتن عقیده‌ی صحیح و عمل صالح  
 است. چگونه و از چه راهی می‌توان این مهم را به دست  
 آورد؟

جواب : عقل و تجربه از گذشته تا به امروز مسأله‌ی تخصص را  
 تأیید و امضا کرده است. تاریخ از پیشرفت تخصص در علوم و فنون  
 سخن می‌گوید و نشر و وسعت علوم و دانش‌ها و فنون همگی نتیجه‌ی  
 تخصص در رشته‌های گوناگون است. عقل نیز ما را به این که باید به  
 مرکز نشر علوم و دانش‌ها رجوع کنیم هدایت می‌کند و طبیعی است  
 که در یادگیری و تعلّم دین نیز باید به مراکز هرچه نزدیک‌تر به مرکز  
 و سرچشمه‌ی اصلی برگردیم.

در این راستا، محور اصلی وحی قرآن و اهل بیت علیهم السلام است و  
 دانش قرآن نیز در نزد آنان. بایسته است که تمامی علوم را در نزد  
 آنان جستجو کنیم و عقاید و اخلاق و احکام را از آنان بیاموزیم. آنان  
 درود خدا برایشان در ضمن احادیث محکم و متواتر آن اصول و ارکان را  
 بیان و تفسیر فرموده‌اند و آن اصول در کتاب‌هایی چند گردآوری و  
 بیان شده است؛ از جمله:

نهج البلاغه، خطب، حکمت‌ها و نامه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام  
 صحیفه‌ی سجّادیه، ادعیه و مناجات‌های امام سجّاد علیه السلام  
 اصول و فروع و روضه‌ی کافی، نوشته‌ی ثقة‌الاسلام کلینی  
 فقیه من لا یحضره الفقیه، نوشته‌ی ثقة‌الاسلام شیخ صدوق  
 الاستبصار، نوشته‌ی شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی  
 التّهذیب، نوشته‌ی شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی  
 تفسیر علی بن ابراهیم قمی  
 تفسیر محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی  
 تفسیر فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی  
 بصائر الدرّجات، محمد بن حسن بن فروخ صفّار  
 و ده‌ها کتاب تفسیر، حدیث، روایت. بنابراین، ما در اصول و فروع و  
 اخلاق باید به آن‌ها مراجعه و از آن‌ها استفاده کنیم.  
 درباره‌ی این که باید از آن‌ها بخواهیم، در ذیل آیه‌ی ﴿فَلْيَنْظُرِ  
 الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾<sup>۱</sup> امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «پس بایسته است که  
 انسان به طعام خود نظر کند.» امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «یعنی به  
 علم خود بنگرد که از چه کسی می‌آموزد؟»<sup>۲</sup> علم و دانش غذای  
 اصلی روح است که از سرچشمه‌ی اصلی آن باید تغذیه شود.  
 درباره‌ی این که به امامان علیهم السلام و راویان احادیث ایشان مراجعه  
 کنیم، این سخن از امام عصر ارواحنا فداه بازگو شده است<sup>۳</sup>:

۲. احتجاج: ۴۷۰.

۱. عبس (۸۰): ۲۴.

۳. کافی ۱: ۴۹، ح ۸.

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ

أَحَادِيثِنَا.»

«در حوادث پیش آمده به راویان حدیث مراجعه

کنید (و علوم خود را از آنان- که از سرچشمه‌ی زلال اهل

بیت علیهم‌السلام مشروب می‌شود- فراگیرید).»

در این باره، رجوع کنید به: اصول کافی، کتاب الحجّة.

علاوه بر این، حجّت باطنی و عقل فطری هر کس حکم می‌کند

که ما باید به پاس شکر مُنعم و ادای وظیفه‌ی بندگی، به یگانگی

خداوند و لزوم نبی و وجود روز رستاخیز و حساب و عدالت

بی‌پایان خداوند و وجود نگاهبان دین و اسوه‌ی آن یعنی امامت و

ولایت، معتقد و پای‌بند باشیم.

علوم و دانش‌ها را- که از فطرت و فطریّات سرچشمه

می‌گیرد- از مرکز و سرچشمه‌ی آن باید آموخت. آنچه از روی این

فطریّات و وجدانیّات پرده برمی‌دارد، آیات کریمه‌ی قرآن و بیان

مفسّران آن است. قرآن کریم در آیات بسیار ما را به آن عالمان

رهبری می‌کند و پیامبر اکرم علیه‌السلام آنان را تعیین و معرفی فرموده‌اند.

دانش قرآن را در اختیار آنان قرار داده دیگران را به پیروی از آنان

امر کرده‌اند.

نتیجه این‌که در تفصیل و شرح عقاید فطری، کلمات و

گفتارهای معصومان، حجّت است و در فقه و اخلاق نیز آنان

پیشوایان مطمئن‌اند و هر اندازه یک فقیه و راوی به آنان نزدیک‌تر

باشد، بیش‌تر مورد وثوق است.

خلاصه آن که کتاب و سنت، به مفهوم صحیح و فراگیر آن، بهترین منبع و شایسته ترین مأخذ برای دریافت عقاید اصیل اسلامی است و حاملان این دو مطمئن ترین کسان برای ارائه و تبیین این حقایق اند.

در این زمینه، مراجعه کنید به:

- اصول کافی ۱: ۱۶۸ - ۱۷۴ (باب الاضطرار إلى الحجّة) و

۲۶۵ - ۲۶۸ (باب التفويض إلى رسول الله ﷺ و إلى الأئمة عليهم السلام)

في أمر الدين) و ۳۹۰ (باب التسليم) و ۳۹۸ - ۳۹۹ (باب أن منتقى

العلم من بيت آل محمد عليهم السلام).

- معرفت امام عصر عليه السلام: ۲۲۱ - ۲۳۰.

- وسائل الشیعه ۱۸: ۲ - ۱۵۲، ابواب لزوم مراجعه به علوم

امامان عليهم السلام.

- امامت و مهدویت، ج ۱، نظام امامت و رهبری: ۶۳ - ۷۰.

- امامت و مهدویت، ج ۳، نوید امن و امان: ۴۳ - ۶۲.

سؤال : هر اندازه که ارادت انسان نسبت به حضرت ولّی عصر علیه السلام زیاده‌تر شود، دوست دارد رضایتشان را بیشتر تر جلب کند. چه کارهایی انجام دهیم که رضایت آن حضرت را بیشتر تر جلب کنیم؟

جواب : این پرسش بسیار برای جوانان مطرح می‌شود که: راه خشنودی آن حضرت چیست؟ برای این که کلید تقرب به خدا و کمال ایمان، خشنودی آن بزرگوار است. همه ما می‌دانیم که چه کارهایی امام عصر رومی فداه را راضی می‌کند.

رضایت او از ما شیعیان در این است که شیعه‌ای راستین باشیم. تعریف شیعه در اعتقاد و عمل صحیح خلاصه می‌شود. روح واقعی این دو نیز عشق و محبت امام زمان است. معنای لغوی شیعه پیرو است. لازمه‌ی پیروی از امام در مسیر او بودن است. پس خمیرمایه و چاشنی اصلی جلب رضایت، عشق و محبت است.

اعتقاد صحیح و عمل صحیح را هم جز از مکتب پُربار او نمی‌توان دریافت. اعتقاد صحیح را از او باید آموخت و عمل صحیح را در پیروی او جستجو کرد. برخلاف نظر بسیاری، اعتقاد صحیح و عمل صحیح را از کتاب‌های فلاسفه‌ی غرب و شرق، عرفای قدیم و

جدید، مکاتب روان‌شناسی و روان‌کاوی نمی‌توان به‌دست آورد؛ از رجال سیاسی و مصلحان تاریخ نیز نمی‌شود آموخت. تنها و تنها در مکتب اهل بیت - که مکتب قرآن و حدیث است - باید جستجو کرد. قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام دو یادگاری است که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را به‌جای گذاشت و فرمود:

«پاس‌داشتن من در پاس‌داری از این دوست. مرا در

آن دو نگه‌داری کنید.»<sup>۱</sup>

به پرسشگران جوان توصیه می‌کنم: اعتقاد صحیح و عمل صحیح دو متاع دنیوی نیست که بتوان به آسانی از بازار تهیه کرد. آن دو تمام ارزش انسان‌اند. دقت و مراقبت لازم دارد. تلاش روزمره می‌خواهد. تلاش همیشگی می‌طلبد.

در این راه، باید با تضرع و التجا به درگاه او - که باب‌الله است - نالید و مویید و ایمان و معرفت و یقین و مراقبت خواست. آشنایی با کتاب‌های معرفت‌افزا و نورآفرین و نشست و برخاست با خوبان و وارستگانی که طالب اویند (و نه هرگز دعوتگر به خویش! که در این راه ساده‌دلی آفت بزرگی است) ما را بدو نزدیک‌تر می‌سازد.

بنابراین، پایه و اساس جلب رضایت او، مسلمان‌بودن و مؤمن‌بودن است؛ عمل است و اندیشه‌ی صحیح؛ استقامت است و کوشش و تلاش.

نکته‌هایی چند که از احادیث بهره می‌گیریم:

---

۱. اصول کافی ۱: ۲۹۴.

کلینی رازی حدیثی را نقل کرده است<sup>۱</sup> که خلاصه‌ی آن چنین

است:

عمّار سباباطی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام بهتر است؟ عبادت پنهانی در دولت باطل در دوران امام غایب یا عبادت در دولت حق با امام شما...؟ فرمود: «عمّار! صدقه‌ی پنهانی- به خدا سوگند- از صدقه‌ی آشکار بهتر است. عبادت پنهانی در زمان امامتان- که در دولت باطل نهان شده است- و حال ترس از دشمنان، از عبادت در روزگار ظهور حق بهتر است... بدانید؛ اگر هر یک از شما نماز فریضه‌ای را به جماعت و پنهان از دشمنان بخواند و آن را کامل کند، خداوند ثواب پنجاه فریضه‌ی جماعت به او دهد و آن‌کس که اعمال و رفتار خویش را نیکو کند و زیانش را نگاه دارد، چند برابر اجر خواهد داشت.»

نیز آمده است:

روزی امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «آیا می‌خواهی بگویم کدام عمل است که خداوند سایر اعمال را بدان می‌پذیرد؟» عرض کردم: بفرمایید. فرمود: «شهادت به کلمه‌ی توحید (لا إله إلا الله) و رسالت و عبودیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اقرار به آنچه خداوند فرمان داده است و به ولایت ما (امامان) و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم امامان شدن و پارسایی و کوشش و آرامش و وقار و چشم‌به‌راهی قائم علیه السلام». سپس ادامه داد:

---

۱. همان: ۳۳۳ - ۳۳۴ و ترجمه‌ی اصول کافی ۲: ۱۲۸، ح ۲.



«به خواست خدا، ما را دولتی خواهد بود. هر کس از این که از یاران قائم علیه السلام شود خشنود می شود، چشم به راه باشد و به پارسایی و اخلاق نیکو عمل کند و حالت انتظار خود را همواره نگاه دارد. اگر کسی در چنین حال بمیرد، پاداش یاران هم زمان آن حضرت را خواهد داشت. ای گروه رحمت شده! جدّیت کنید و چشم به راه باشید. گوارایتان باد!»<sup>۱</sup>

امّا آن چه از کلمات آن امام مهربان در توقیعات بهره می بریم:

۱- «فَاتَّقُوا اللَّهَ: تقویٰ پیشه کنید.»

۲- «سَلِّمُوا لَنَا: تسلیم ما شوید.»

۳- «رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا: کار را به ما برگردانید (و با ملاک های ما

پیش بروید.)»

۴- «لَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا عُطِيَ عَنكُمْ: تلاش نکنید پرده ها را

بردارید.»

۵- «وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارِ: (با اعتدال حرکت

کنید و) در (راه) راست و چپ (افراط و تفریط) گام ننهید.»

۶- «وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوْدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ: به سوی ما

بیایید و با دوستی سنت روشن (رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام)

عمل کنید.»<sup>۲</sup>

۱. منتخب الأثر: ۴۹۷، ح ۹.

۲. تا این جا از احتجاج ۲: ۴۶۷.

- ۷- «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ... : در پدیده‌ها، (برای دانستن وظیفه) به راویان حدیث مراجعه کنید.»<sup>۱</sup>
- ۸- «وَأَكْثِرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ : برای فرج، بسیار دعا کنید.»<sup>۲</sup>
- ۹- «وَظَاهِرُونَا عَلَى أَنْتِيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ: ما را بر نجات خودتان از فتنه‌ها یاری کنید.»<sup>۳</sup>
- ۱۰- «إِعْتَصِمُوا بِالتَّقِيَّةِ: به تقیّه چنگ زنید.»<sup>۴</sup>
- ۱۱- «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ...: هر کدام به مقتضای محبت ما و دوری از خشم ما رفتار کنید.»<sup>۵</sup>
- ۱۲- «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا- وَفَقَّهَهُمُ اللهُ لَطَاعَتَهُ-...: اگر شیعیان ما- که خدا به طاعت خود توفیقشان دهد!- دل‌های خود را متحد و به عهد خود وفا کنند، به دیدار سعادت‌بار ما نایل شوند.»<sup>۶</sup>
- در یافتن راه‌های رضایت و خشنودی امام زمان علیه السلام و انجام وظایف چشم‌به‌راهان، مراجعه کنید به:
- پیمان محبوب (بشتاب بهار).
- آفاق انتظار.

۱. احتجاج ۲: ۴۷۰.

۲. همان: ۴۷۱.

۳. همان: ۴۹۷.

۴. همان: ۴۹۸.

۵. همان.

۶. همان: ۴۹۹.

- منتخب الأثر: ٥٠١.

- ترجمهى مكيال المكارم ٢: تكليف ١٧، ٢٢، ٣٦، ٤٦ و...

- غيبت نعمانى (عربى): ١٩٤ و ٣٢٩.

- وظيفة الأنام في زمن غيبة الإمام عليه السلام (عربى).

سؤال : شنیده‌ایم که امامان درودخدا بر آن‌ها آرزوی دیدن امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه را داشته‌اند. آیا این از آن‌رو بوده است که مقام معنوی آن حضرت را بالاتر می‌دیدند یا آرزوی حکومت جهانی اسلام و یگانه پرستی و عدل، آنان را بر این اشتیاق واداشته است؟

جواب : تمامی انبیا و امامان همواره در تحقق دین و یکتا پرستی و زدودن شرک و کفر از جوامع بشری کوشیده‌اند. از این‌رو، در راستای آن کوشش‌های پی‌گیر داشته و جان و مال خود را ایثار کرده‌اند. آن‌ها به اندازه‌ای در آرزوی صلاح و تقوای مردم گام برداشته‌اند که لحظه‌ای آرام و ساکت نبوده‌اند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر در بشارات الاهی تحقق کامل این آرزو را به دست مهدی موعود علیه السلام می‌دیده‌اند. این است که در امید وصال آن آرزوی نهایی، در تب و تاب بودند و مردم را نیز به آن انتظار تشویق می‌فرموده‌اند.

---

۱. و این مصداقی است از نمود انسان، عصاره‌ی هستی که همواره با حق است و یادآور حق: ﴿وَالْعَصْر، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالحَقِّ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾. یاران ایشان نیز باید که چنین باشند.  
(ویراستار)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لَوْ أَدْرَكَتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»<sup>۱</sup>

«اگر (روزگان) او را درک می کردم، سراسر عمر خود،

(او را کمک و) به او خدمت می کردم.»

نیز حضرت امام رضا علیه السلام در هنگام شنیدن لفظ قائم علیه السلام به پا

می خاست و دست بر سر خود می گذاشت و می گفت:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»

«خداوندا! در فرج او شتاب کن و خروج او را آسان

فرما.»<sup>۲</sup>

سَدِیر صیْرِفِی می گوید:

روزی من و مفضل و ابوبصیر و ابان بن تغلب وارد

منزل امام صادق علیه السلام شدیم. دیدم آن حضرت بر خاک نشسته

و عبایی پشمین در بر کرده است و به سان مادرِ فرزند مرده‌ای

که دلش آتش گرفته، گریه می کند. اندوه و غم تمام چهره‌ی او

را گرفته و اشک چشمان او بر روی گونه‌ها غلتیده بود و

چنین ترنم و نجوا می کرد: «آقای من! پنهانی تو خواب از

چشم من ربوده و آرامشِ دلم را گرفته و گرفتاری ام را به ابد

پیوند داده است...»<sup>۳</sup>

اگر در احادیث نظر کنیم، می بینیم تمامی امامان در آرزوی

۱. بحار الأنوار ۵۱: ۱۴۸، ح ۲۲؛ ترجمه‌ی مکیال المکارم ۱: ۱۳۷.

۲. منتخب الأثر: ۵۰۶ ذیل ح ۴.

۳. همان: ۲۵۸، ح ۱۲؛ بحار الأنوار ۵۱: ۲۱۹.

این دیدار، اشکِ انتظار ریخته‌اند. اشتیاقی که در پیشوایان معصوم ما مشاهده می‌گردد روشنگر راهی است که نه تنها شیعیان بلکه همه‌ی انسان‌ها باید برای خوش‌بختی و سعادت، آن راه را بپویند و هم‌چون رهبران الهی خویش در شوق درکِ حضور و حکومت آن نجات‌بخش محبوب و آسمانی لحظات زندگانی را سپری کنند. متن دعاهای نقل‌شده از امامان علیهم‌السلام نیز این شور و اشتیاق و از خودگذشتگی را به انسان درس می‌دهد و آرزوی دیدار حضرتش را در جان آدمی زنده می‌دارد. در دعای عهد می‌خوانیم:

«خدایا، مرا از یاران آن بزرگوار قرار ده و هم از آنان که از او دفاع می‌کنند و از پی انجام مقاصدش می‌شتابند و او امرش را فرمان می‌برند و از وی حمایت می‌کنند...»

آنان که در زندگی دنیا، هم و غمّشان و همّت و تلاششان حول این هدف دور می‌زند مشمول این بشارت امام صادق علیه‌السلام می‌گردند که می‌فرماید:

«... خوشا به حال شیعیان قائم ما، که در زمان غیبت، ظهور او را انتظار می‌کشند و در زمان ظهور، از او فرمان می‌برند! آن‌ها اولیای خدایند که هیچ‌گونه ترس و اندوهی بر آنان نیست.»<sup>۱</sup>

برای بررسی و تحقیق بیشتر، در این باره، نگاه کنید به:  
- منتخب الأثر: ۲۶۲ - ۲۵۸.

---

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۱۵۰.

- كمال الدين: ٣٥٢، ح ٤.

- مكيال المكارم ٢٨: ٢٤٥ - ٢٥٤ و ٣٠٩ - ٣١٦.

- بحار الأنوار ٥٢: ١٢٣.



سؤال : جهان پس از ظهور دنیای دوست‌داشتنی و زیبایی است و به‌عنوان ایده‌آل بشر بوده و هست. وظیفه‌ی اصلی در زمان غیبت، قبل از ظهور برای مهیا کردن آن محیط و جامعه چیست؟

جواب : این یک مسأله‌ی فطری است که اگر انسان در انتظار آینده و پدیده‌ای است، زندگی امروز خود را جزء آن آینده و در قلمرو آن قرار می‌دهد تا به آن آینده برسد. به‌عنوان نمونه، اگر یک دانش‌آموز جوان دبیرستانی، در انتظار طبیب شدن است، دروس خود را چنان می‌آموزد و خود را چنان در آن قلمرو می‌بیند که از نخستین سال، صفحه‌صفحه‌ی کتاب خود و دقیقه‌های اوقات را در آن هدف صرف می‌کند. کسی هم که در آینده می‌خواهد مهندس آرشیوتکت قوی و طراح برجسته‌ای شود، امروز کلاس‌های دبیرستان خود را چنان ارزش می‌دهد که گویا همین امروز در محیط دانشگاه و کنار میز طراحی نشسته است.

حالت منتظر ظهور امام زمان علیه السلام نیز چنین است؛ ظهوری با آن مشخصات که در باب مدینه‌ی فاضله آورده‌اند و آن را جهان پاکی و خداپرستی و تقوا نام نهاده‌اند. این فرد باید زندگی امروز خود را



طوری تنظیم کند که گویی الان در محضر آن امام عدل پرور است؛ چرا که حکومت امام زمان ارواحنا فدا، حکومت انسانیت و عدل است. مقدمه‌ی آن نیز تربیت و اصلاح خود و جامعه است.

پس وظیفه‌ی ما این است که برای برقراری آن کشور خداشناسی و آن جهان عدل خواه، از هم‌اکنون آماده باشیم و آن را با تصحیح عقاید دینی و تکمیل کردارهای ناشی از آن تحقق بخشیم و به یاد داشته باشیم که وقتی خود در زبان دعا از خدای متعال طلب می‌کنیم که:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا  
الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ  
الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ.»<sup>۱</sup>

«خداوندا! ما از تو حکومتی و الامنش و پُرده‌ش  
می‌طلبیم که در آن اسلام و اسلامیان را عزّت بخشی و  
دورویی و دورویان را خواری و ما را از دعوتگران به  
آستانت بداری و از راه‌نمایان به راه.»

ضروری است که با معرفت و عمل هر چه بیش‌تر خود را شایسته‌ی  
چنین قیادتی بسازیم.

باید در فراگیری اعتقادات صحیح، امامان را اسوه‌ی خویش  
بدانیم و روش به‌دست آوردن آن را از ایشان و یاران برجسته و  
فداکارشان بیاموزیم و سپس به مقتضای آن‌ها عمل کنیم و در این راه

---

۱. از دعای افتتاح.

تمامی توان و تلاش خود را به کار گیریم.

در بیان وظیفه‌ی شیعه در دوران غیبت کبری، مراجعه کنید به:

- مهر محبوب، بخش سوم، خواص و آثار محبت.

- معرفت امام عصر، صص ۲۷۲ - ۳۱۱.

- خورشید مغرب، صص ۲۵۷ - ۳۳۴.

- آیین انتظار.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ..... ۵

## پرسش‌ها و پاسخ‌ها

### امامت و مهدویت

۱۵ - ۲۲

- سؤال ۱: خداوند خود را برای نصرت مردم کافی می‌داند. آیا این مطلب با یاری خواستن ما از ائمه علیهم‌السلام منافات ندارد؟ ..... ۱۵
- سؤال ۲: آیا احاطه‌ی ائمه و امام زمان علیه‌السلام بر اعمال و افکار انسان‌ها مانند احاطه‌ی خداوند بر افکار انسان است؟ تفاوت چیست؟ ..... ۱۸

### بشارات کتب آسمانی

۲۳ - ۲۷

- سؤال ۳: مضمون و معنای آیه‌ی ۵ سوره‌ی قصص - که معروف است درباره‌ی حکومت امام عصر علیه‌السلام است - چیست؟ ..... ۲۳
- سؤال ۴: آیا در کتب آسمانی پیشین درباره‌ی امام زمان علیه‌السلام پیش‌گویی‌هایی دیده می‌شود؟ ..... ۲۵

## شناخت حضرت مهدی علیه السلام

۲۸ - ۳۹

- سؤال ۵: حضرت مهدی علیه السلام چه سنت‌هایی از پیامبران گذشته و چه شباهت‌هایی به آنان دارند؟ ..... ۲۸
- سؤال ۶: پوشش ظاهری و لباس امام عصر علیه السلام در حال حاضر و در زمان ظهور چگونه است؟ ..... ۳۲
- سؤال ۷: در مورد «سلام علی آل یاسین» توضیح دهید. .... ۳۵
- سؤال ۸: چگونه می‌توان اثبات کرد که امام زمان علیه السلام زنده است و از دنیا نرفته است؟ ..... ۳۸

## غیبت

۴۰ - ۵۱

- سؤال ۹: چرا حضرت مهدی علیه السلام دو غیبت (صغری و کبری) دارند؟ .... ۴۰
- سؤال ۱۰: آیا تشریف‌فرمایی حضرت مهدی علیه السلام در اجتماعات عمومی در دوران غیبت با معنای غیبت و نهان بودن منافات ندارد؟ ..... ۴۳
- سؤال ۱۱: آیا روایات احادیث - که در دوران غیبت، شیعیان را به آنان ارجاع داده‌اند - مجتهدان اند؟ ارتباط امام زمان با آنان چگونه است؟ ..... ۴۶

## دیدارها و تشرفات در دوران غیبت

۵۲ - ۶۱

- سؤال ۱۲: آیا گفتار مدعیان دیدار آن حضرت را باید پذیرفت؟ ..... ۵۲
- سؤال ۱۳: چرا دیدار امام عصر علیه السلام نصیب همه‌ی مشتاقان نمی‌شود؟ ... ۵۶

سؤال ۱۴: آیا میان دیدار ما و دیدار عالمان و گزیدگان در تشرّف به خدمت امام عصر علیه السلام تفاوتی هست؟ ..... ۶۰

### برخی از آثار وجودی امام زمان علیه السلام

۶۲ - ۶۵

سؤال ۱۵: حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت چگونه به مردم تمام جهان رسیدگی می کنند؟ این رسیدگی در روزگار ظهور چگونه است؟ ..... ۶۲

### طول عمر

۶۶ - ۶۹

سؤال ۱۶: از نظر علم و عقل چگونه می توان طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را اثبات کرد؟ آیا این طول عمر با سنت طبیعت مخالف نیست؟ ..... ۶۶

### شرایط ظهور

۷۰ - ۸۳

سؤال ۱۷: نابودی دشمنان اسلام و قرآن به دست امام عصر علیه السلام با عدل و محبتی که ایشان در دنیا می گسترانند، چگونه سازگار است؟ ..... ۷۰

سؤال ۱۸: چرا امام عصر علیه السلام برای ظهور خود دعا نمی کنند؟ ..... ۷۴

سؤال ۱۹: آیا صحیح است که می گویند: امام زمان علیه السلام در فلان سال ظهور می کنند و بسیاری از علایم ظهور به وقوع پیوسته است؟ ..... ۷۸

سؤال ۲۰: اگر هنگام ظهور امام عصر علیه السلام همه جا پُر از ظلم و ستم می شود، پس آیا دیگر در جایی عدل و داد نخواهد بود؟ ..... ۸۱

## کارنامه‌ی ظهور و قیام

۸۴ - ۱۰۰

- سؤال ۲۱: آیا حضرت مهدی علیه السلام مردم را به آیینی جز اسلام دعوت می‌کنند؟ ..... ۸۴
- سؤال ۲۲: آیا فقاہت و اجتهاد در زمان ظهور امام عصر علیه السلام جریان دارد یا به کلی از بین می‌رود؟ ..... ۸۶
- سؤال ۲۳: چرا حکومت حضرت مهدی علیه السلام را به حکومت حضرت داوود علیه السلام تشبیه کرده‌اند؟ ..... ۸۸
- سؤال ۲۴: چرا از بین تمام انبیا و اولیاء علیہم السلام تنها امام عصر علیه السلام می‌توانند به خواسته‌ی خدا و امید مردم جامه‌ی عمل بپوشانند؟ ..... ۹۰
- سؤال ۲۵: با توجه به همراهی حضرت عیسی علیه السلام با امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور، آیا نصاری هم به آن حضرت ایمان می‌آورند؟ ..... ۹۴
- سؤال ۲۶: با توجه به اشاره‌ی آیات کریمه‌ی قرآن در سوره‌ی مائده به باقی ماندن کفر تا روز رستاخیز، آیا در حکومت امام زمان علیه السلام زمین از کفر و شرک پاک می‌شود؟ ..... ۹۷

## وظایف منتظران

۱۰۱ - ۱۱۷

- سؤال ۲۷: نظر به این که رضایت امام عصر علیه السلام در گرو داشتن عقیده‌ی صحیح و عمل صالح است، چگونه می‌توان به این توفیق دست یافت؟ ..... ۱۰۱
- سؤال ۲۸: چه کارهایی انجام دهیم که رضایت آن حضرت را بیش تر جلب کنیم؟ ..... ۱۰۵

سؤال ۲۹: این که ائمه علیهم السلام آرزوی دیدن امام دوازدهم علیه السلام را داشتند به خاطر برتری مقام معنوی آن حضرت بود یا برای برقراری حکومت جهانی اسلام؟ ..... ۱۱۱

سؤال ۳۰: وظیفه‌ی اصلی در زمان غیبت، برای مهیا کردن دنیای دوست‌داشتنی و زیبای پس از ظهور، چیست؟ ..... ۱۱۵



# **YAAD-E-MAHBOOB**

(Remembering the Beloved)

Questions and answers on the subject of the last Divine  
Reformer, Imam Mahdi - Lord of Time - (PBUH)

*2nd Vol.*

*Author*

*Sayyed Hosain Hosainie*

*Editor*

*Sayyed A. Razavie*

Afagh Publishing Company

Tehran, 2000

All rights reserved